تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است

همسر دوست داشتنی

نويسنده:مهدی خدامیان‌آرانی.

# مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِیمِ

آیا شما برای بهتر زندگی کردن، برنامه‌ای دارید؟ آیا می‌دانید چگونه می‌توانید محیط خانه خود را از عشق و صمیمیّت پر کنید؟

آیا تا به حال، به این نتیجه رسیده‌اید که همه ما نیازمند آموزش در زمینه زندگی زناشویی هستیم؟

خواهرم !

آیا اتاق تنهایی شوهر خود را می‌شناسید؟ هنگامی که شریک زندگیتان از شما فاصله می‌گیرد به چه فکر می‌کنید؟

آیا خواهان کمال معنوی هستید؟ آیا می‌خواهید خدا به شما نظر مرحمت بکند؟ آیا دوست دارید ثواب هزار شهید را داشته باشید؟

برادرم !

آیا می‌دانید همسر شما چگونه به شما امتیاز می‌دهد؟ آیا می‌دانید که شریک زندگی شما نیاز به سخن گفتن دارد؟ وقتی همسر شما در حالت یأس قرار می‌گیرد چه می‌کنید؟ آیا خیر دنیا و آخرت را می‌خواهید؟

این کتاب را برای همه مردان و زنانی نوشته‌ام که می‌خواهند در زندگی زناشویی خویش شاهد عشق و صمیمیّت بیشتری باشند.

من تلاش کرده‌ام که با نگاهی نو به آموزه‌ های دینی در شناخت بهتر زندگی زناشویی به شما کمکی کرده باشم.

این کتاب در دو فصل تنظیم شده است، آقایان با خواندن فصل اوّل، می‌توانند مرد بهتری برای همسرشان باشند و همچنین خانم‌ها با خواندن فصل دوم می‌توانند زن بهتری برای شوهرشان باشند.

البتّه از همه برادران و خواهرانم می‌خواهم که هر دو فصل کتاب را بخوانند زیرا فقط در این صورت است که به علّت نوشتن این کتاب پی‌می‌برید.

این کتاب را به همسر خوب خود، اهدا می‌کنم زیرا که او برای موفقیت من فداکاری بسیاری نموده است.

مهدی خدّامیان آرانی

قم، خرداد 1386

# فصل اوّل: بهترین مرد دنیا

من دیگر «خسته نباشید» نمی‌گویم !

صبح شده است و باید هر چه زودتر به محل کار خود بروی.

با خانواده خود خداحافظی می‌کنی و سوار تاکسی می‌شوی.

به راننده سلام می‌کنی و به او می‌گویی: خسته نباشید !

و وقتی که به اداره خود می‌رسی با همکارانت رو برو می‌شوی به آنان سلام کرده و دست می‌دهی و باز می‌گویی: خسته نباشید !

ما عادت کرده‌ایم به هر کسی که به کاری مشغول است، «خسته نباشید» می‌گوییم.

این کار پسندیده‌ای است که ما احساسات خوب خود را نسبت به دیگران به زبان آوریم.

ولی من به راننده و همکار و دیگران، «خسته نباشید» نمی‌گویم !

حتما تعجّب می‌کنی !

من به جای «خسته نباشید» چنین می‌گویم: «عبادتت قبول !»

شاید بگویی که چرا داخل تاکسی و اداره را با مسجد و محراب اشتباه گرفته‌ای؟

آری، حق داری که چنین بگویی !

از آن زمانی که ما عبادت را فقط نماز و روزه دانستیم، از آن زمانی که از دین واقعی دور شدیم، از آن زمانی که عرفان و معنویت را فقط در گوشه خلوت و انزوا جستجو کردیم، دیگر از کمال و سعادت راستین فاصله گرفتیم و از اسلام واقعی دور شدیم.

اگر شما در حال کار کردن هستید من با صدای بلند به شما می‌گویم:

ای رزمنده راه خدا !

ای مجاهد !

## تو داری در راه خدا جهاد می‌کنی !

آیا شنیده‌ای که امام صادقعليه‌السلام فرمود: «هر آن کس که برای مهیا کردن مخارجِ خانواده خود تلاش کند همانند رزمندگان می‌باشد و خدا همان ثوابی را به او می‌دهد که به رزمندگان می‌دهد».1

مگر نمی‌دانی که یک روز جهاد در راه خدا بالاتر از چهل سال عبادت است.2

هر روزی که برای خوشبختی همسر و فرزندت به سر کار می‌روی و عرق می‌ریزی، به اندازه چهل سال عبادت به خدا نزدیک شده‌ای.

برادرم !

اگر خداوند بر شما واجب کرده است که برای خرج زن و بچه خود تلاش کنی، باید بدانی که خدا برای این کار تو ثواب بزرگی قرار داده است.

آری، خداوند می‌داند که تو با عشق به سعادت خانواده‌ات تلاش می‌کنی، پس همان ثوابی را که به رزمندگان حقیقی می‌دهد به تو هم عنایت می‌کند.

حالا که این را دانستی از تو خواهشی دارم:

هر وقت که به سوی خانه باز می‌گردی این نکته را به خود یاد آوری کن که تو با خدا معامله کرده‌ای و خدا در مقابل یک روز کار کردن، ثواب چهل سال عبادت به شما داده است !

پس حواست جمع باشد مبادا عبادت خود را خراب کنی !

حالا که می‌خواهی وارد خانه شوی مبادا خستگی خود را به رخ زن و بچه‌ات بکشی !

همسرت منتظر توست !

باید با روی گشاده وارد خانه شوی، اکنون از عبادت‌گاه چهل ساله می‌آیی، از مهمانی خدا می‌آیی !

چهل سال، عبادت، روح شما را با صفا کرده است و اکنون به خدا نزدیک‌تر شده‌ای !

آیا باور کرده‌ای که با کوله باری از چهل سال عبادت می‌خواهی وارد خانه شوی؟

حالا می‌خواهم مقداری فکر کنی !

اگر خدای ناکرده سختی کار خود را به رخ همسرت بکشی غیر از اینکه او را آزرده می‌کنی عبادت خود را هم از بین می‌بری !

اکنون نزدیک درِ خانه یک لحظه بایست، و لبخندی بر لب‌های خود بنشان !

یار مهربانت، همسر عزیزت چشم به راه توست، او محتاج لبخند توست، این بهترین هدیه تو به اوست.

## آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند ؟

وقتی به مکّه برای زیارت خانه خدا می‌روی مهمان خدا می‌شوی و چون با لباس احرام بر دور کعبه طواف می‌کنی قلب خویش را صفا می‌دهی و پاکِ پاک می‌شوی.

آیا می‌دانی که پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ارزش یک سفر عمره رابالاتر از دنیا و هر آنچه در دنیا است می‌داند و آن را مایه پاک شدن از همه گناهان معرفی می‌کند.3

حتما می‌گویی: معلوم نیست چه موقعی خداوند توفیق آن دهد که به مکّه سفر کنم.

آیا دوست داری تا من کاری را یاد شما بدهم که ثواب حج و عمره داشته باشد؟

پیشنهاد من زیاد سخت نیست و داخل خانه خودت می‌توانی آن را انجام بدهی !

لازم نیست جایی بروی، همین الآن می‌توانی به ثواب حج و عمره برسی !

حتما مایل شدی بدانی که آن چه کاری است.

برادرم !

یک لحظه کتاب را کنار بگذار و نگاهی به اطراف خود بینداز !

جارو برقی به تو چشمک می‌زند !

از تو می‌خواهم تا خانه را جارو کنی !

من از تو می‌خواهم حساب کنی وقتی خانه را جارو می‌کنی چند قدم بر می‌داری !

حتما می‌گویی: آقای نویسنده، ما جارو کردن را به خاطر این که دلت نشکند قبول کردیم، دیگر دست بردار، چه کسی حوصله دارد حساب کند که برای جارو کردن اتاق چند قدم بر می‌دارد؟

شما نمی‌دانی که من می‌خواهم بدانم خداوند به شما ثواب چند حج و عمره می‌دهد؟

پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «هر کس که به خانواده خود خدمت کند به عدد هر قدمی که بر می‌دارد، خداوند به او ثواب حج و عمره می‌دهد».4

می‌بینم که با عشق طواف کعبه، خانه را جارو می‌کنی !

به راستی ما چه دین کاملی داریم و خودمان خبر نداریم !

افسوس که ما را سرگرم کردند تا نفهمیم پیرو چه دینی و آیینی هستیم !

تو را به خدا، انصاف بده آیا با عمل کردن به همین یک حدیث، زندگی‌های ما شیرین‌تر نمی‌شود؟

آیا مشتاق هستی خاطره‌ای از زندگی حضرت علیعليه‌السلام برایت نقل کنم.

مگر همه ما حضرت علیعليه‌السلام را الگوی خود قرار نداده‌ایم؟

ولی متأسفانه فقط به گوشه‌هایی از زندگی آن حضرت توجّه کرده‌ایم و هرگز به تمام زندگی آن حضرت دقّت نکرده‌ایم.

یک روز رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم تصمیم گرفت که به خانه حضرت زهراعليها‌السلامبرود و از دختر خود دیداری داشته باشد.

وقتی پیامبر وارد خانه شد با چه منظره‌ای روبرو شد؟

او دید که حضرت علیعليه‌السلام کنار حضرت زهراعليها‌السلامنشسته و با هم دارند با آسیاب دستی، گندم آسیاب می‌کنند.5

آن زمان که نانوایی وجود نداشت و زنان مدینه با آسیاب دستی گندم را آسیاب می‌کردند و نان می‌پختند و این کار مخصوص زنان خانه‌دار بود. حضرت علیعليه‌السلام را نگاه کن که چگونه در کارهای خانه، همسر خود را کمک می‌کند !

من و تو هم اگر حضرت علیعليه‌السلام را الگو قرار داده‌ایم بایستی در کارهای خانه همسر خود را کمک کنیم تا مهر و صمیمیّت در خانه ما موج بزند.

آری، حضرت علیعليه‌السلام این چنین درس محبّت و صفا را به شیعیانش می‌آموزد و درود خدا بر مردانی که آیین همسرداری را از امام مهربان خویش فرا گرفتند.

## خدایا، خیر دنیا و آخرت را به من بده !

یادت هست که چگونه عشق زیارت امام رضاعليه‌السلام تو را به مشهد کشاند.

و چون به مشهد رسیدی غسل زیارت نمودی و وضو ساخته و آرام آرام به سوی حرم حرکت کردی.

وارد صحن و سرای با صفای امام رضاعليه‌السلام شدی و با نهایت ادب و تواضع پیش رفتی تا روبروی ضریح رسیدی و شروع به خواند زیارتنامه کردی: «السلام علیک یا ولی اللّه ».

شاید به خاطر داری که در این زیارت نامه از خدا چه خواستی.

تو از آنانی نیستی که طوطی وار، دعایی را می‌خوانند و نمی‌فهمند که چه گفتند !

کاش همه ما وقتی دعاهای عربی را می‌خواندیم در معنای آن هم دقّت می‌کردیم که چه می‌گوییم و از خدا چه می‌خواهیم.

به هر حال در آن زیارتنامه این چنین گفتی: «بار خدایا، خیر دنیا و آخرت به من کرم بفرما».6

این خواسته تو بود که در هنگام زیارت امام رضاعليه‌السلام از خداوند طلب کردی.

سفر به پایان می‌رسد و تو به شهر و دیار خود باز می‌گردی !

حالا که این کتاب را می‌خوانی از توسوال می‌کنم:

آیا آن دعای تو مستجاب شد؟ نشانه آن چیست؟

شاید بگویی که توفیق اعمال نیک بیشتری پیدا کرده‌ام.

ولی متأسفانه این جواب تو درست نیست.

اگر بگویی که توجّه من به نماز و عبادتم بیشتر شده است.

من می‌گویم که این جواب هم صحیح نیست.

می‌گویی که بعد از آن که از مشهد آمدم رسیدگی من به فقرا بیشتر شده است.

ولی این هم جواب صحیح نیست.

آیا می‌خواهی بدانی که نشانه مستجاب شدن آن دعای مهم چیست؟

این سخن پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است که وقتی خداوند بخواهد به کسی خیر دنیا و آخرت را بدهد به او توفیق خدمت به خانواده‌اش را می‌دهد.7

وقتی که از مشهد باز گشتی اگر در خانه به همسر خود بیشتر کمک کردی، معلوم است که آن دعای تو در حرم امام رضاعليه‌السلام مستجاب شده است.

## همسر عزیزم، دوستت دارم !

وقتی یک گلدان زیبا را خریداری می‌کنی و به خانه می‌آوری، آیا آن گلدان را به حال خود رها می‌کنی؟

نه، بلکه هر روز از آن گلدان مواظبت می‌کنی و مرتب آن را آب می‌دهی.

زیرا اگر به گلدان خود آب ندهی بعد از مدّتی پژمرده می‌شود.

پس چرا بهترین گلِ زندگی خود را فراموش کرده‌ای؟

همسرت را می‌گویم.

یادت هست با چه عشقی به خواستگاری او رفتی !

آری، بهترین لحظه‌ها برای تو لحظه‌ای بود که او قدم به خانه تو گذاشت و شما زندگی مشترک را با هم شروع کردید.

چرا چند روزی است از این گل زندگی خود غافل شده‌ای؟

اگر می‌بینی که زندگیت دیگر آن صفا را ندارد برای این است که خودت از گل زندگیت غفلت کردی !

آیا می‌خواهی جبران گذشته را بکنی و دوباره زندگیت پر از عشق و محبّت شود؟

من یک دستور ساده برایت دارم.

اگر به من قول بدهی که این دستور را عمل کنی به زودی دوباره قلب تو از عطر عشق و محبّت، مدهوش خواهد شد.

البتّه از شما چه پنهان، که این دستور از من نیست !

این دستور از پیامبر مهربان ماست.

پس گوش فرا ده !

آن حضرت فرمود: «وقتی مرد به همسر خود بگوید «دوستت دارم»، این سخن هیچ‌گاه از قلب همسرش بیرون نمی‌رود».8

همین الآن کتاب را ببند و این جمله پیامبر را به همسر خود بگو !

یادم نمی‌رود که در مجلسی، از آقایانی که آنجا بودند خواستم که این دستور را انجام دهند.

یک نفر از عقب جمعیت به من رو کرد و گفت:

آقا، این حرف‌ها چیست که برای مردم می‌گویی ! تو باید برای ما حدیث بخوانی !

وقتی به او گفتم که این سخن رسول خداست، با شرمندگی سرش را پایین انداخت.

بارها پیش آمده است که وقتی این حدیث را برای مردم می‌خوانم می‌بینم که در غمی بزرگ فرو می‌روند.

غم این‌که چرا زودتر این دستور پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را نشنیده‌اند؟

آری، سالیان زیادی از زندگی آن‌ها گذشته ولی اکنون با این دستور آشنا می‌شوند.

اجازه می‌دهی من از تو خواهشی بکنم !

من از شما می‌خواهم هر وقت تازه دامادی را دیدی، این حدیث را به او هدیه کنی !

ای کاش ما اسلام را فقط در نماز و روزه خلاصه نمی‌کردیم !

آیا می‌شود آن روزی بیاید که همه ما جمله «همسرم ! دوستت دارم» را هم به عنوان یک برنامه دینی خود بدانیم.

آیامی دانید که هر زنی نیاز دارد که حداقل روزی سه بار این جمله را بشنود؟

پس هیچ‌گاه این جمله سحرآمیز و جادویی را از همسرت دریغ مکن !

دوستت دارم !

دوستت دارم !

دوستت دارم !

و این را باور کن که هیچ‌گاه همسرت از شنیدن این جمله خسته نمی‌شود.

هر بار که به همسرت از صمیم دل می‌گویی: «دوستت دارم»، قلب او را از عشق لبریز می‌کنی و روحیه او را شاداب می‌سازی.

آیا تا به حال در مسجد پیامبر اعتکاف کرده‌ای ؟

چند سالی است که مراسم اعتکاف در جامعه ما رواج پیدا کرده است و در روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، گروه گروه مردم به مساجد رفته و معتکف می‌شوند.

برای اعتکاف باید سه روز روزه بگیری، و در مسجد بمانی و مشغول عبادت باشی.

اگر بتوانی در مسجد پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مدینه باشی خیلی خوب است و ثواب بسیار زیادی دارد.

فکر کن! اگر بخواهی در مسجد پیامبر معتکف شوی باید صبر کنی تا خدا توفیق سفر به مدینه را به تو بدهد.

آیا می‌خواهی کاری را یاد شما بدهم که ثواب اعتکاف در مسجد پیامبر را داشته باشد؟

این کار زحمت زیادی ندارد و همیشه می‌توانی آن راانجام دهی !

پیامبر اسلام فرمود: «نشستن مرد نزد همسر خویش، نزد خدا بهتر از اعتکاف در مسجد من است».9

به راستی که دین و آیین ما چه دین کاملی است؟

در کدام مکتب می‌توانی ارزش نشستن پیش همسر را این‌قدر بالا بیابی !

در کجا می‌توانی چنین عزّتی را که اسلام به شما داده است، بیابید !

در کجای دنیا به زن این همه احترام و ارزش داده شده است که نشستن کنار او، برای شوهرش ثواب اعتکاف داشته باشد !

و افسوس و صد افسوس که ما چقدر از دین واقعی فاصله گرفته‌ایم.

همین سال گذشته، مرد جوانی را دیدم که همسر بیمار خود را در خانه رها کرده بود و به عشق اعتکاف، به مسجد آمده بود.

من به او گفتم که وظیفه تو در حال حاضر، رسیدگی به همسر بیمارت است، امّا او که به تازگی به «عرفان» رو کرده بود، می‌گفت که من باید به خدا برسم و از غیر او جدا شوم !

آخر تا به کی جوانان ما باید به خاطر عدم فهم دین به بیراهه بروند؟

اگر همه مردان جامعه ما به همین یک دستور پیامبر عمل می‌کردند و هر روز، ساعتی در کنار همسر خود می‌نشستند و سخن دل او را می‌شنیدند و به احساسات و عواطف او گوش می‌کردند، آیا ما دیگر در خانواده‌ها این همه مشکل می‌داشتیم؟

آیا دیگر این همه زنان افسرده در جامعه ما یافت می‌شد؟

آری، مردی که یاد گرفته است هر روز مقداری از وقت خود را صرف همسرش کند و سخن او را بشنود نه تنها به ثواب بزرگی دست یافته بلکه قلب همسر خویش را برای همیشه تسخیر کرده است.

آیا می‌دانید چگونه می‌توانید درب طلاق را بر روی زندگی خود ببندید؟

با همین سخن گفتن با یکدیگر !

اگر همه مردان و زنان جامعه ما، روزی بیست دقیقه با هم سخن می‌گفتند و به سخنان یکدیگر به دقّت گوش می‌کردند اختلافات آنها حلّ می‌شد.

## هدیه دادن را فراموش نکن !

آیا می‌دانی که همسر شما انتظار دارد تمام عشقی را که به او دارید به وسیله‌ای برای او ثابت کنید؟

آری، شما باید عشق و محبّتی را که در قلب خود نسبت به همسر خود دارید هر روز به زبان آورید.

خرید هدیه‌های کوچک و تقدیم کردن آن، می‌تواند همسر شما را بسیار خوشحال کند.

وقتی به همسر خود هدیه می‌دهی او احساس با ارزش بودن می‌کند و همین کار باعث می‌شود که میان شما محبّت و صمیمیّت بیشتری به وجود آید.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: «به یکدیگر هدیه بدهید که موجب محبّت می‌شود و کینه را از دل می‌برد».10

تو با هدیه دادن به همسرت می‌توانی محبّت او رابه سوی خود جذب کنی و در آن موقع زندگی مشترک شما شیرین‌تر می‌شود.

همین امروز هدیه‌ای برای او خریداری کن و همراه با این یادداشت تقدیم همسرت کن:

«تقدیم به همسر مهربانم، تو بهترین انتخاب زندگیم هستی !».

تو نمی‌دانی که این نوشته تو برای همسرت چقدر باارزش است و خدا می‌داند که آنرا چند بار می‌خواند.

سعی کن که حتما هدیه را با کادویی زیبا، بسته بندی کنی چرا که خانم‌ها هدیه‌ای را که کادو شده باشد خیلی بیشتر دوست دارند.

آیا می‌خواهید نزد همسرتان به عنوان یک مرد استثنایی و فوق العاده جلوه کنید؟

یک هدیه خوب مثل لباس زیبا را برای او بخرید و آن را در بسته‌ای کوچک بپیچید و در جایی از آشپزخانه و یا کمد لباس همسر خود مخفی کنید.

البتّه یک یادداشت زیبا هم بر روی آن بگذارید.

وقتی که همسرتان این هدیه را پیدا می‌کند شما برایش شوهری فوق العاده جلوه می‌کنید.

دوستِ خوب من !

یادت باشد اگر سفر رفتی حتماً برای همسرت هدیه خریداری کنی.

این دستور پیامبر است: «وقتی یکی از شما به مسافرت رفت موقع بازگشت برای خانواده خود، هدیه‌ای تهیه کند، حتی اگر آن هدیه، قطعه سنگی باشد».11

آری، وقتی از سفر بر می‌گردی در حالی که هدیه‌ای برای همسرت در دست داری، این پیام را به همسر خود می‌رسانی که من در روزهای دوری از تو، همیشه به فکر تو بودم، من هرگز تو را فراموش نکردم.

و این پیام است که برای همسر تو بسیار با ارزش است و به او آرامش می‌دهد.

همیشه تلاش کن تا همسرت در زندگی احساس کند که به یاد او هستی و او را دوست داری و هدیه دادن بهترین راه برای این کار می‌باشد.

## با لبخند می‌توانی بلا را از خود دور کنی ؟

همه ما عادت کرده‌ایم که برای رفع بلا، صدقه بدهیم.

حتماً این حدیث را شنیده‌ای که صدقه، مرگ ناگهانی را دور می‌سازد.

نزدیک عید که می‌شود تلویزیون تبلیغات زیادی انجام می‌دهد و ما را تشویق می‌کند تا در جشن نیکوکاری شرکت کنیم و با دادن صدقه، به کمک خانواده‌های بی بضاعت بشتابیم.

این کار بسیار خوبی است و باعث خوشحالی دل‌های زیادی می‌شود.

اگر کسی به خاطر گناه و معصیت، مورد غضب خدا واقع شده باشد، می‌تواند با صدقه دادن غضب خدا را خاموش کند.12

آری، صدقه، هفتاد درِ بلا و گرفتاری را بر روی انسان می‌بندد و مرگ ناگهانی را از انسان دور می‌کند.13

آیا شنیده‌ای که صدقه، روزی را زیاد می‌کند؟

رسول خدا فرمود: «زیاد صدقه بدهید که روزی شما با صدقه دادن، زیاد می‌شود».14

آری، صدقه باعث می‌شود تا برکت زندگی شما زیاد شود.15

برادر محترم !

من می‌خواهم در این جا صدقه جالبی به شما یاد بدهم !

آیا می‌دانید که لبخند شما به روی همسرتان، نزد خداوند به عنوان یک صدقه، حساب می‌شود؟

تعجّب نکن !

آری، لبخند، یک نوع صدقه می‌باشد !

این سخن از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است که لبخند، صدقه است.16

اکنون تصمیم بگیر که به روی همه دوستان خود لبخند بزنی !

آیا فکر کرده‌ای اگر جامعه ما به همین دستور ساده، عمل می‌کردند ما چه جامعه شادابی داشتیم.

افسوس که ما بیشتر، جنبه‌های غم را بزرگ نمایی کرده‌ایم !

ما عادت داریم صبح که از خواب بر می‌خیزیم و آماده می‌شویم تا از خانه بیرون برویم، مقداری پول داخل صندوقِ صدقه بریزیم ، امّا فراموش می‌کنیم که به روی همسر خود لبخند بزنیم !

چرا ما صدقه را فقط در پول به صندوق انداختن، خلاصه کرده‌ایم.

ای کاش صدا و سیمای ما، مقداری هم در مورد صدقه لبخند، سخن می‌گفت.

چرا ما همه خوبی‌ها را برای غریبه ‌ها به کار می‌بریم !

ما برای آن کودک بیچاره که صدها کیلومتر از ما فاصله دارد هدیه می‌دهیم، ولی عزیزترین فرد زندگی خود را از یک لبخند هم محروم می‌کنیم !

آیا می‌دانی وقتی که وارد خانه می‌شوی هیچ چیز برای همسر شما، دلنشین‌تر از این نیست که با چهره‌ای رو برو شود که گل لبخند به لب دارد؟

چرا همسر خود را از این نعمت محروم می‌کنی؟

از امروز تصمیم بگیر هر وقت وارد خانه می‌شوی لبخند بزنی و بدان که این کار تو نزد خدا به عنوان صدقه حساب می‌شود و عمر تو را زیاد می‌کند و باعث می‌شود که برکت زندگیت زیاد شود.

آری، صدقه به عنوان بهترین داروی دردها معرفی شده است، دارویی که بیمارها را شفا می‌دهد.17

حال اگر تو دچار افسردگی شده‌ای به جای اینکه این همه، قرص و دارو مصرف کنی و اثری هم نبینی و بدن خودت را با این مواد شیمیایی مسموم کنی، بیا و این دستور را عمل کن.

هر گاه که با همسر خویش روبرو شدی، گلِ لبخند را به او هدیه کن !

آن وقت ببین که زندگی تو چقدر با صفا می‌شود و همه آشنایان، حسرتِ صفای زندگی تو را خواهند خورد.

برادرم !

چه شده است که شما وقتی با دوستان خود روبرو می‌شوی به روی آنها لبخند می‌زنی، امّا چون به خانه می‌آیی فقط خستگی را به خانه می‌آوری؟

بیا با خود عهدی ببند !

از امروز به بعد هر وقت خواستی وارد خانه شوی، یک لحظه نزدیکِ درِ خانه بایست !

با خود بگو: من به مهمترین بخش زندگی خود وارد می‌شوم !

و گل لبخند را به صورت خود بنشان و وارد خانه شو !

آیا همان‌قدر که به کار و کاسبی اهمیّت می‌دهی به روحیه همسر و خانواده خود اهمیّت می‌دهی؟

بنشین فکر کن، خودت را جای همسرت بگذار !

آیا تو دوست داری که وقتی وارد خانه می‌شوی همسرت با اخم با تو برخورد کند؟

پس آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای همسرت نیز نپسند !

چگونه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را شاد سازم ؟

من یک روز از خدا سؤال کردم:

ای خدای بزرگ !

چه کاری را بیش از همه کارها دوست داری؟

آخر من می‌خواستم آن کار مهم را هر طور شده، انجام دهم.

و در انتظار جواب ماندم.

و بعد از مدّتی چشم انتظاری، جواب سؤال من آمد.

شاید بگویی: خوب معلوم است جواب این سؤال، نماز بود، چرا که نماز ستون دین است و خدا نماز را بیش از همه چیز دوست دارد، ولی جواب من این نبود.

آیا شما می‌دانید من چگونه به جواب خود رسیدم.

به سخنی از پیامبر برخورد کردم که فرمود: «بهترین اعمال نزد خدا، خوشحال نمودن یک مسلمان است».18

و به راستی چه مسلمانی بیش از همسر ما شایسته خوشحال نمودن است؟

وقتی که تو تصمیم می‌گیری تا همسر خود را خوشحال سازی، بدان تو کاری انجام می‌دهی که خدا خیلی آن را دوست دارد.

امام باقرعليه‌السلام فرمود: «هیچ عبادتی همانند این نیست که قلب مؤمنی را شاد نمایی».19

آیا فراموش کرده‌ای که همسر تو از اهل ایمان است، پس بدان اگر او را خوشحال کنی رسول خدا را خوشحال کرده‌ای !

مگر این سخن رسول خدا را نشنیده‌ای که فرمود: «هر کس یک مؤمن را خوشحال کند مرا خوشحال نموده است».20

برادرم !

اکنون برخیز و با این اعتقاد که خوشحال نمودن همسر مؤمنت، باعث خوشحالی رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می‌شود کاری انجام بده تا او شاد شود.

کاری هر چند کوچک، امّا این کار را با عشقی بزرگ انجام بده !

دوست من !

اگر همه زوج های جامعه ما این گونه فکر می‌کردند زندگی‌ها، چقدر زیباتر می‌شد !

خیلی دلم می‌خواهد به این سخن امام صادقعليه‌السلام گوش فرا دهی که فرمود: «وقتی که یکی از شما، مؤمنی را خوشحال می‌کند فکر نکند که فقط او را خوشحال کرده است، به خدا قسم ما را هم خوشحال نموده است».21

ای کسی که عشق امام زمانعليه‌السلام به دل داری؟

آیا می‌خواهی امام زمانعليه‌السلام را خوشحال کنی !

بهترین راه خوشحالی امام زمانعليه‌السلام، این است که همسر مؤمن خود را خوشحال کنی ! آیا می‌دانی وقتی که تو همسر مؤمن خویش را ناراحت می‌کنی و او را غصه می‌دهی، رسول خدا را ناراحت می‌کنی !

امام صادقعليه‌السلام فرمود: «که هر کس مؤمنی را اندوهناک کند، در واقع رسول خدا را اندوهناک ساخته است».22

## خدایا، مهر همسرم در دلم قرار ده !

یادت می‌آید وقتی مراسم عروسی گرفته بودی، با چه شور و شادی، همسر خویش را به منزل خود آوردی !

همه فامیل جمع شده بودند و چه جشن باشکوهی برگزار کرده بودی !

آن لحظه از بهترین لحظات زندگی شما بود و پیوند مقدّس شما مانند پیوند دو ستاره بود.

نمی‌دانم آن لحظه دعا هم کردی؟ آیا آداب عروس به خانه آوردن را انجام دادی؟

شاید آن موقع خبر نداشتی که عروس آوردن هم آداب دارد؟

اکنون من می‌خواهم این آداب را برایت بگویم:

از عروس خانم می‌خواهی که با وضو وارد خانه شما شود و خودت هم قبل از اینکه عروس پا به خانه بگذارد وضو می‌سازی !

و دو رکعت نماز می‌خوانی !

و شکر خدا را به جا می‌آوری و بر محمّد و آل محمّدعليه‌السلام صلوات می‌فرستی !

آنگاه عروس وارد خانه تو می‌شود.

اکنون تو دست به دعا بر می‌داری و از همه مهمانان می‌خواهی تا به دعای تو «آمین» بگویند.

حال تو باید چه دعایی بکنی؟

این دعا خیلی مهم است.

گوش کن : «خدایا، محبّت همسرم را به قلب من ارزانی کن ! رضایت و خوشحالی او را به من کرم نما ! پیوند ما را پیوندی شایسته قرار بده».23

این دعایی است که در آن لحظه باید بکنی !

شاید بگویی که آخر چرا در آن موقع دعا کنم؟

آیا می‌دانی که در آن موقع درهای آسمان باز می‌شود ؟

امام صادقعليه‌السلام فرمود: «درهای آسمان در چهار موقع باز می‌شود: هنگامی که باران رحمت می‌بارد، هنگامی که فرزند به صورت پدر و مادر، نگاه می‌کند، هنگامی که در کعبه باز می‌شود، هنگامی که ازدواجی صورت می‌گیرد».24

به هر حال، این دعایی است که تازه داماد باید از خداوند درخواست کند.

من خیلی فکر کردم که چرا اسلام برای لحظه ورود عروس به خانه شوهر این برنامه دعا را قرار داده است؟

به راستی چند بار در دعاهایت این خواسته را از خداوند طلب کرده‌ای؟

در کدام آیین، می‌توانی دعایی به این زیبایی بیابی !

«خدایا عشق به همسرم را به من روزی کن !».

اگر همه مردان جامعه ما از صمیم دل، این دعا را می‌کردند، زندگی‌ها چقدر زیبا و شیرین می‌شد.

من از صدها نفر سؤال کرده‌ام که آیا تا به حال از خدا خواسته‌اید که شما را عاشق همسرتان قرار دهد؟

آنان از حرف من تعجّب کرده‌اند !

آیا فکر کرده‌ای چرا این دعا را همان لحظه‌ای که عروس وارد خانه ات می‌شود باید بخوانی؟

در روزهای اوّل زندگی که مشکلی وجود ندارد و همه همسر خود را دوست دارند !

پس چرا این لحظه باید دعایی این گونه کرد که خدایا، عشق به همسرم را در قلب من قرار ده.

این یک رمز است، یک سمبل است !

لحظه ورود عروس به خانه تو، لحظه آغاز زندگی مشترک است !

لحظه مهم و حساسی است، اینجا باید از خدا کمک بگیری !

از او بخواهی که او محبّت به همسرت را در قلبت بریزد و تا پایان عمر، او را دوست داشته باشی !

راستی چرا امام باقرعليه‌السلام می‌فرماید که از همراهان عروس بخواه تا به دعای داماد «آمین» بگویند؟

شاید ندانی که پدر و مادر عروس، چقدر زحمت کشیده‌اند، چه بی‌خوابی‌ها کشیده‌اند تا دختری را تربیت کرده و اکنون در اختیار شما قرار می‌دهند.

امام باقرعليه‌السلام می‌خواهد تا پدر و مادر عروس، دعای داماد خود را بشنوند که چگونه از خدا می‌خواهد که همسر خود را دوست بدارد !

نمی‌دانم در این دنیا چیزی به اندازه شنیدن این دعا، پدر و مادر یک دختر را خوشحال می‌کند؟

قسمت بعدی دعا را هم دقّت کن !

«خدایا ! کاری کن که همسرم همواره از من راضی باشد».

و شاید الآن غصه بخوری که من این آداب را نمی‌دانستم و موقع عروس آوردن، این دعا را نکردم.

ولی به قول معروف، ماهی را هر وقت ازآب بگیری تازه است !

همین الآن برخیز، وضو بساز و دو رکعت نماز بخوان و از صمیم دل این دعا را بخوان، که خداوند فرموده است: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

## از کجا بفهمم ایمانم کامل‌تر شده است ؟

برای همه ما لحظاتی پیش می‌آید که احساس می‌کنیم به خدا نزدیک‌تر شده‌ایم و به معنویت گرایش بیشتری پیدا کرده‌ایم.

مثلاً در ماه رمضان و شب‌های قدر، دلهای ما روشن می‌شود و نور ایمان را در وجود خود احساس می‌کنیم.

به راستی اوّلین و مهمترین نشانه زیاد شدن ایمان چیست؟

ما از کجا بفهمیم که ایمان ما کامل‌تر شده است؟

آیا موافقی همین سؤال را از امام صادقعليه‌السلام بنماییم؟

این پاسخ آن حضرت است: «هر چه ایمان شما بیشتر شود محبّت شما به همسرت بیشتر می‌شود».25

یعنی حواست باشد، اگر تو به سوی خدا میل پیدا کردی و نماز و عبادتت بیشتر شد، باید ببینی آیا همسر خود را بیشتر از قبل دوست داری یا نه؟

اگر جواب مثبت بود پس خوشا به حالت ! زیرا که در معنویت رشد کرده‌ای !

اگر نماز خواندن تو بیشتر از قبل شد، امّا اخلاق تو نسبت به همسرت بهتر نشد، بلکه نسبت به او بی‌تفاوت شدی باید بدانی که آن عرفانی که دنبالش رفته‌ای سرابی بیش نیست !

من چقدر افرادی را دیده‌ام که چون در وادی عرفان قدم برداشته‌اند به همسر خود کم‌مهری‌ها نموده‌اند !

آخر الگوی ما چه کسی می‌باشد !

اگر ما واقعا شیعه امام صادقعليه‌السلام هستیم پس چرا رفتار ما با سخن آن حضرت، مطابقت ندارد؟

آری، زمانی می‌توانی دم از عشق به خدا بزنی و یقین کنی که در مسیر صحیح عرفان پیش رفته‌ای که محبّت و عشقت به همسرت، بیشتر شود.

بنازم این مکتب شیعه را چگونه بین عشق به خدا و عشق به همسر رابطه برقرار می‌کند !

و افسوس که ما چقدر از این حقایق غافل مانده‌ایم !

و شاید تعجّب کنی که امام صادقعليه‌السلام در سخن دیگر می‌فرماید: «هر کس که محبّت و عشقش به ما اهل بیتعليه‌السلام زیادتر شود، محبّتش به زنان بیشتر می‌شود».26

مقداری فکر کن، به راستی چه ارتباطی بین عشق به اهل بیتعليه‌السلام و عشق به همسر وجود دارد؟

آری، اگر به سفر کربلا می‌روی یا نجف را زیارت می‌کنی و به برکت این سفر، روح و جانت با محبّت اهل بیتعليه‌السلام صفا می‌گیرد باید عشق و محبّتت به همسرت بیشتر شود.

## نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند ؟

چه خبر شده است؟

چرا عرش خدا به لرزه در آمده است؟

چرا این همه فرشته از آسمان به زمین می‌آیند.

فکر می‌کنم تعداد آنها نود هزار فرشته باشد.

آن طرف را نگاه کن ! فرشتگان به آن سمت می‌روند.

بیا ما هم آنجا برویم ببینیم چه خبر است؟

پیامبر می‌خواهد بر جنازه‌ای نماز بخواند و این فرشتگان برای خواندنِ نماز میّت آمده‌اند.27

«سعد بن معاذ» از دنیا رفته است.

حالا معلوم شد که این همه فرشته به احترام او آمده‌اند.

چرا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پابرهنه شده است؟

او می‌خواهد با پای برهنه در این مراسم حضور پیدا کند.

معلوم می‌شود سعد، آدم خیلی خوبی بوده که پیامبر بدون عبا و با پای برهنه در تشییع جنازه او شرکت می‌کند.

این سعد چه مقامی داشته که عرش خدا در مرگ او به لرزه در آمده است؟28

خوشا به حالت ای سعد !

من تا به حال نشنیده‌ام که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم این طوری احترام جنازه‌ای را بگیرد.

پیامبر گاه سمت راست جنازه را می‌گیرد و گاه به سمت چپ جنازه می‌رود.

بیا علّت این کار را از پیامبر سؤال کنیم.

آن حضرت چنین جواب می‌دهد: «دست من در دست جبرئیل است، هر کجا که جبرئیل می‌رود، من نیز همراه او می‌روم !».

پیکر سعد را نزدیک قبر می‌برند.

پیامبر وارد قبر می‌شود و جنازه سعد را داخل قبر می‌گذارد و سنگ لحد را می‌چیند و قبر سعد را می‌پوشاند.

به راستی چه کسی تا به حال، سعادت داشته است که پیامبر پیکر او را داخل قبر بگذارد؟

آن خانم را نگاه کن که آرام آرام کنار قبر پسرش می‌آید.

او مادر سعد است.

همه کنار می‌روند و او می‌آید و کنار قبر پسرش سعد می‌نشیند.

او با چشم خود دیده است که پیامبر در تشییع جنازه پسرش سنگ تمام گذاشته است و برای همین بی‌اختیار می‌گوید: «پسرم، بهشت گوارایت باد !».

پیامبر به مادر سعد می‌گوید: «مادر سعد ! صبر کن».29

و آنگاه نگاهی به آسمان می‌کند.

چه خبر شده است؟

پیامبر دارد زمزمه‌ای می‌کند.

گوش کن : «خدایا ! آیا مثل سعد باید فشار قبر ببیند؟».

بعد رو به مادر سعد می‌کند و می‌گوید: «الآن، سعد فشار قبر دارد».

به راستی، چه شده است؟

سعد و فشار قبر؟ چرا باید سعد با آن مقام این گونه فشار قبر ببیند؟

آیا موافقی این سؤال را از پیامبر بپرسیم؟

جواب پیامبر این است: «سعد با خانواده‌اش بد اخلاق بود و این فشار قبر به خاطر آن بود».30

آری، درست است که سعد، مقام بزرگی نزد پیامبر داشت، امّا همه کارهای خدا روی حساب و کتاب است !

سعد همه خوبی‌ها را داشت ولی با همسر خود بد اخلاق بود و برای همین باید فشار قبر ببیند.31

ما باید خیلی مواظب باشیم که مبادا با بد اخلاقی در خانه به سرنوشتی دچار شویم که سعد گرفتار شد.

## این لیست را بگیر و خرید کن !

حتماً برایت پیش آمده است که همسرت به تو گفته است که گوشت در منزل تمام شده، برو مقداری گوشت خریداری کن !

و تو که خیلی خسته‌ای، نمی‌دانی چه کنی، می‌خواهی مقداری استراحت کنی، ولی همسر شما می‌خواهد برای شام، غذا تهیه کند، سرانجام تصمیم می‌گیری برای خرید بیرون بروی.

آیا فکر می‌کنی که این کار تو نزد خدا ثواب و پاداش هم دارد؟

آری، تو می‌روی برای خانه خرید کنی و باید بدانی که چه ثوابی برای تو نوشته می‌شود؟

آیا موافقی ببینیم که امام سجادعليه‌السلام برای این خرید چه امتیازی می‌دهد؟

آن حضرت فرمود: «وقتی به بازار می‌روم و برای خانواده خود، گوشت خریداری می‌کنم، این کار را از آزاد کردن یک بنده، بهتر می‌دانم».32

حتما شنیده‌ای که پیامبر چند روز قبل از ماه رمضان برای مردم سخنرانی کرد و برای مردم در مورد عظمت ماه رمضان سخن گفت.

آری، ماه رمضان بسیار عزیز است و اگر تو بتوانی در این ماه مؤمنی را افطاری بدهی خدا به تو ثواب آزاد کردن یک بنده می‌دهد.33

فکر می‌کنم منظور مرا فهمیدی !

اگر بروی و برای خانواده خودت خرید کنی این کار تو همانقدر ثواب دارد که افطاری دادن در ماه رمضان !

بنازم این مکتب را که چقدر زیبا تلاش می‌کند کانون خانواده را مستحکم سازد.

آری، من می‌دانم که در صف نانوایی ایستادن برای تو خیلی سخت است !

از امروز به بعد، هر وقت که در صف نان ایستادی به یاد این سخن امام‌سجادعليه‌السلام باش و بدان که در حال عبادت هستی !

من می‌دانم دیگر هر وقت همسرت به تو سفارش خرید چیزی را برای خانه بکند، تو با میل و رغبت این کار را انجام می‌دهی چرا که تو با این کار به کمال معنوی بزرگی دست می‌یابی !

شاید در میان خوانندگان این کتاب، افرادی هستند که می‌گویند من کار به ثواب ندارم.

بحث من هم در مورد ثواب آزاد کردن یک بنده نیست، بلکه سخن من این است که تو اگر می‌خواهی به کمال معنوی برسی، یکی از راه‌های آن این است که برای خانواده خود خرید کنی !

آیا می‌دانی وقتی که از خرید برمی‌گردی چه ارزشی پیش خدا داری؟

وقتی با دستهای خود گوشت و میوه و... را به خانه می‌بری، خداوند ثواب آن کسی را به تو می‌دهد که در راه خدا صدقه داده است.

آری، خرید کردن برای خانه در مکتب اسلام مساوی با صدقه دادن است !

اگر صدقه رفع بلا می‌کند، و مایه خوشحالی خداوند می‌شود و مرگ ناگهانی را از انسان دور می‌کند، خرید برای خانواده نیز همین اثرها را دارد.

من این سخن را از خود نمی‌گویم، پیامبر فرمود: «آنگاه که مردی وارد بازار شود و برای خانواده خود چیزی بخرد و آنرا به خانه ببرد، ثواب او برابر با کسی است که صدقه به نیازمندان می‌دهد».34

آری، در تعالیم اسلام تلاش شده است تا روابط بین زن و شوهر همواره با عشق و صمیمیّت همراه باشد و کانون خانواده در میان جامعه مسلمانان از استحکام زیادی برخوردار باشد.

## کاری نکنی که نمازت قبول نشود !

نگاه کن! صحرای قیامت است و چه غوغایی برپاست !

همه مردم سر از خاک برداشته و آماده‌اند تا به حساب کردار و رفتار آنها رسیدگی شود.

در این میان چشم من به مجید می‌افتد.

مجید یکی از دوستان خوب من در دنیا بود و من خیلی به او علاقه داشتم.

او خیلی خوشحال به نظر می‌رسد.

آیا موافقی پیش او برویم.

ـ سلام، مجید آقا !

ـ سلام، دوست من!

ـ می‌بینم که خیلی شاد و خوشحال هستی !

ـ بله چون من در دنیا کارهای خوب زیادی انجام داده‌ام و آمادگی کامل برای چنین روزی را دارم.

ـ آیا می‌شود کارهای خوب خود را برایم بگویی؟

ـ بله، من دو سفر حج واجب رفته‌ام، سه عمره انجام داده‌ام، پنج بار کربلا رفته‌ام، یک مدرسه و یک مسجد ساخته‌ام، صد یتیم را سرپرستی کرده‌ام، ده‌ها فقیر را تحت حمایت خود در آورده‌ام...

اینجا بود که حسرت خوردم که چرا من نتوانستم این همه کار خوب انجام دهم !

به راستی که اگر انسان ثروت داشته باشد و آن را در راه خیر مصرف کند سعادتی بزرگ داشته است.

من دیگر یقین کردم که مجید اهل بهشت است برای همین روی او را بوسیدم و به او گفتم ما را فراموش نکنی، وقتی خواستی به بهشت بروی دست ما را هم بگیر.

خلاصه آن‌که نوبت حسابرسی مجید فرا می‌رسد و فرشتگان نام او را می‌خوانند.

و مجید برای حسابرسی جلو می‌رود.

ــ تو در دنیا چه کار کرده‌ای؟

ــ حج و عمره به جا آورده‌ام.

ــ حج و عمره تو قبول نیست !

ــ مدرسه ساخته‌ام.

ــ قبول نیست.

ــ یتیمان را سرپرستی کرده‌ام.

ــ قبول نیست !

مجید هر کار خوبی که انجام داده است را نام می‌برد فرشتگان به او می‌گویند که آن عملش قبول نیست.

مجید را نگاه کن که چطور گریه می‌کند !

من خیلی تعجّب می‌کنم، آخر چه شده است چرا هیچ یک از اعمال این رفیق من مقبول درگاه خدا واقع نشده است.

من نزد مجید می‌روم تا شاید علّت را بفهمم می‌بینم که او نیز حسابی گیج شده است.

مجید تا نگاهش به من می‌افتد با گریه می‌گوید: نگاه کن، همه اعمال من باطل اعلام شد ! بدبخت شدم ! حالا چه کنم؟

من دلم برای مجید خیلی می‌سوزد.

آیا موافقی با هم نزد فرشتگان محاسبه اعمال برویم و علّت را جویا شویم.

من به آن فرشتگان می‌گویم:

«می‌دانیم که خدا به هیچ کس ظلم نمی‌کند و همه کارهای او روی حساب و کتاب است، امّا ما می‌خواهیم بفهمیم که چرا همه کارهای خوب مجید باطل اعلام شده است؟».

اینجاست که یکی از فرشتگان رو به من می‌کند و می‌گوید:

«مجید اعمال نیک زیادی انجام داده ولی چون همسر خود را اذیّت کرده است هیچ کدام از اعمال او قبول نمی‌شود».

تازه یادم افتاد که مجید همه خوبی‌ها را داشت، امّا یک عیب داشت و آن این که همسرش را اذیّت و آزار می‌کرد.

آیا اذّیت و آزار همسر این‌قدر گناه بزرگی است که می‌تواند همه اعمال خوب یک نفر را باطل کند؟

پیامبر فرمود: «هر زنی که شوهر خود را اذّیت و آزار کند خداوند هیچ کدام از اعمال خوب او را قبول نمی‌کند و هر مردی که زن خود را آزار دهد نیز این چنین است».35

آن زنی که بدون اجازه شوهر به مسجد می‌رود، باید بداند که خدا نماز او را قبول نمی‌کند و همین‌طور آن مردی که حقوق همسر خود را مراعات نمی‌کند باید بداند که خداوند اعمال خوب او را قبول نمی‌کند.

## با همسر خود مهربان باشید !

«همواره جبرئیل در مورد زنان با من سخن می‌گفت و به من توصیه می‌کرد به مردان بگویم که مراعات حال آنها را بنمایند».36

این سخن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است.

جبرئیل به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عرضه داشت: «ای محمّد ! به أمّت خود بگو که با زنان مهربان باشند !

و دل‌های آنها را شاد کنند و به آنان خشم نگیرند».37

برادرم !

به راستی چگونه می‌توانیم دل همسر خود را شاد کنیم؟

آیا موافقی یکی از راههای آن را برایت بگویم.

آیا می‌دانی که توجّه نشان دادن به همسرت باعث می‌شود او احساس زنده بودنِ واقعی کند؟

آیا می‌دانی که توجّه شما به همسرت یک پیام مهم را برای او می‌رساند؟

آیا می‌دانی آن پیام چیست؟

وقتی تو به همسر خود توجّه می‌کنی او احساس می‌کند که خیلی دوست داشتنی و مهم است.

اگر او احساس کند که تو به او توجّه نداری قلب او خواهد مرد !

و آنگاه تو حسرت عشق او را خواهی خورد، و به راستی زندگی با زنی که قلبش مرده است خیلی سخت است !

تو خودت این کار را کرده‌ای، تو خودت، دل او را با بی‌توجّهی نابود کرده‌ای.

پس سخن جبرئیل را آویزه گوش خود کن و تلاش کن تا همواره، دلِ همسر خود را شاد کنی زیرا در این صورت است که خوشبختی را برای خودت مهیا می‌سازی.

شما باید یاد بگیرید که به همسرتان توجّه پیدا کنید.

مثلاً از او بخواهید لباس زیبایش را به تن کند و آنگاه به او بگویید: «این لباس چقدر به تو می‌آید و تو چقدر زیباتر شده‌ای !».

از رنگ مو و گیسوی او تعریف کنید !

وقتی او به ظاهر خود رسیدگی می‌کند به او بگویید: «تو پرشورترین زن دنیا هستی و من از تو خیلی راضی هستم !».

وقتی غذای شما را سر سفره می‌آورد به او بگویید: «این غذایی خوشمزه و عالی است !».

حال که سخن به اینجا رسید، آیا موافقی ما یک مسابقه برگزار کنیم تا به بهترین افراد جامعه جایزه‌ای بدهیم و از آنها تقدیر کنیم؟

حتماً می‌گویی اوّل باید دراین مطلب به توافق برسیم که چه افرادی، بهترین مردم هستند؟

به نظر شما بهترین مردم چه کسی است؟

کسی که اهل نماز و روزه است؟ کسی که فرد نیکوکاری است و به افراد بیچاره کمک می‌کند؟

آیا موافقی ما این سؤال را پیامبر بپرسیم؟ به نظر شما آن حضرت چه جوابی خواهد داد؟

این سخن آن حضرت است: «بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده خود، بهتر باشد».38

با این حساب، کسی که اهل نماز و طاعت است، ولی با خانواده خود خوش اخلاق نیست، برنده مسابقه ما نخواهد بود.

آن نیکو کاری که به خانواده‌های بی‌بضاعت، کمک مالی زیادی می‌کند، ولی همسرش را در حسرت محبّت و عشق، باقی می‌گذارد، بهترین مردم نیست.

آیا می‌دانید هر کسی که با خانواده خود نیکو رفتار کند خداوند بر عمر او می‌افزاید.39

برادر خوب من !

همسر شما امانت خداست در دست شما !

این دستور اسلامی است که باید امانت را محافظت کنی !

امیر المؤمنینعليه‌السلام فرمود: «زنان، امانت خدا در پیش شما هستند».40

آیا درست است که همسر شما، وقتی به خانه شما می‌آید یک خانم شاداب باشد، ولی بعد از چند سال زندگی با شما به خاطر عدم توجّه شما به یک خانم افسرده تبدیل شود؟

آیا این رسم امانت داری است؟

بترسید از این که امانت خدا را تباه کنید !

چرا باید در جامعه‌ای که پیرو اسلام است وضع روحی زنان این گونه باشد؟

بیایید در پرتو تعالیم اسلام، مرد و مردانه جهت شادمانی همسران خویش گام برداریم.

بیایید با شاد کردن همسران خویش، به خدا نزدیک شویم !

ما می‌توانیم !

به امید آن روز که هر چه به خدا نزدیکتر شویم محبّت ما به همسرمان بیشتر شده باشد !

به امید آن روزی که شادابی و تبسّم همسر خویش را سرمایه معنوی خود بدانیم.

برادرم !

آیا می‌دانی یکی از حقوق همسر تو این است که با او ترش‌رویی نکنی !

این سخن پیامبر است که فرمود: «حق زن بر شوهرش این است که نفقه و مخارج او را تأمین کند و هیچگاه با او ترش‌رویی نکند».41

آری، اسلام هم به نیازهای جسمی زن اهمیّت می‌دهد و هم به نیازهای روحی او.

همان قدر که به فکر تهیه غذا و پوشاک برای همسر خودت هستی آیا به فکر این هستی که با روی خوش با او برخورد کنی؟

آیا می‌دانی که ما در مقابل شادمانی و نشاط روحی همسر خود، وظیفه داریم؟

ما باید کاری کنیم که همواره همسرمان در خانه ما احساس خوشبختی بنماید.

نیاز همسرت به سخن گفتن را درک کن !

وقتی با مشکلی روبرو می‌شوی چه می‌کنی؟

به فکر فرو می‌روی و تلاش می‌کنی تا راه حلّی برای مشکل خود بیابی.

آری، ما مردان این چنین خلق شده‌ایم که تا چاره‌ای برای مشکل خود نیابیم به آرامش نمی‌رسیم برای همین نیاز داریم که در جای خلوتی به فکر کردن مشغول شویم.

آیا می‌دانی وقتی همسر تو با مشکلی برخورد می‌کند نیاز دارد تا با تو سخن بگوید؟

این یک «راز زنانه» است که می‌خواهم برایت بگویم پس به دقّت گوش کن.

زمانی که زنی با مشکلی رو برو می‌شود غریزه‌ای به او می‌گوید که یک نفر را پیدا کن و با او درد دل کن.

برای او بزرگی و کوچکی مشکل فرق نمی‌کند، او نیاز دارد برای رفع نگرانی خود، در مورد مشکل خود، سخن بگوید.

او به دنبال پیدا کردن راه حلّ مشکل نیست !

تعجّب نکن، درست نوشته‌ام !

ما مردان هنگام روبرو شدن با مشکلات به دنبال راه حلّ خوب می‌گردیم، ولی زنان هنگام روبرو شدن با مشکل به دنبال یک همدم خوب هستند.

خواهش می‌کنم روی جمله قبل خیلی دقّت کن.

اگر شما برای همسر خود یک شنونده خوب و یک همدم خوب باشید، در راه رسیدن به آرامش، کمک بزرگی به او کرده‌اید.

برادرم !

ممکن است با سخن گفتن همسرتان، مشکل او حلّ نشود ولی همین که تو با او همدردی کردی و به سخنان او گوش کردی آرامشی زیبا به او هدیه کرده‌ای.

به خانه می‌آیی و همسرت با تو سخن می‌گوید و مشکلاتش را با تو در میان می‌گذارد، تو باید بدانی که او هرگز نمی‌خواهد تو را مقصّر بداند!

او اکنون به شوهر خود رسیده است و می‌خواهد به آرامش برسد. خوب، او چگونه این کار را می‌کند؟

با سخن گفتن.

برای همین شروع به حرف زدن می‌کند.

شما که نمی‌دانی خیال می‌کنی او می‌خواهد تو را محکوم کند و برای همین حالتِ دفاع به خود می‌گیری و اوضاع را خراب می‌کنی !

بارها شده است وقتی همسرت مشکل خود را به تو می‌گوید تو راه حلّی برای مشکل او می‌گویی و خیال می‌کنی او باید با یافتن این راه حلّ به آرامش برسد، ولی این چنین نمی‌شود.

آیا علّت را می‌دانی؟

چون مرد با یافتن راه حلّ آرام می‌شود، امّا زن با همدردی و سخن گفتن !

تو باید بدانی وقتی همسرت با تو سخن می‌گوید به دنبال این نیست که تو برای او راه حلّی بیابی !

تو باید بدانی که همسرت با همین سخن گفتن و ذکر جزئیّات به آرامش می‌رسد.

بنابراین دیگر نسبت به پرحرفی همسرت حساسیّت به خرج نمی‌دهی چون می‌دانی که سخن گفتن همسرت، اثر شفابخشی برای او دارد.

از امروز به بعد، بدون اینکه احساس مقصر بودن بکنی به سخنان همسر خود گوش فرا می‌دهی و برای او شنونده خوبی می‌شوی، آن وقت است که تو بهترین شوهر دنیا می‌شوی چرا که آرامش را به همسر خود ارزانی داشته‌ای.

آری، از این به بعد، دیگر به سخنان همسرت بی توجّهی نمی‌کنی، چون می‌دانی که مهم‌ترین نیاز روحی همسرت، نیاز به شنیده شدن سخنانش توسط شماست.

## چگونه همسرتان به شما امتیاز می‌دهد ؟

ما مردان به گونه‌ای خلق شده‌ایم که همواره می‌خواهیم کارهای بزرگ انجام دهیم و به وسیله آن امتیاز زیادی بگیریم.

و همین موضوع را در زندگی زناشویی خود می‌آوریم و تلاش می‌کنیم تا کار بزرگی را برای همسرمان انجام دهیم.

خوب انجام کار بزرگ به زمان زیادی نیاز دارد.

آری، تو ماه‌ها تلاش می‌کنی و اضافه کاری می‌روی تا پولی به دست آوری و همسرت را به یک سفر خوب و عالی ببری !

وقتی بعد از شش ماه تلاش، او را به مسافرت می‌بری، پیش خود خیال می‌کنی که حتماً همسر تو بسیار خوشحال خواهد شد چرا که تو کار مهمّی انجام داده‌ای ، امّا می‌بینی که همسر تو به اندازه‌ای که فکر می‌کردی خوشحال نشده است و حسابی گیج می‌شوی !

آخر تو شش ماه تمام جان کندی و کار کردی تا توانستی هزینه این سفر را فراهم کنی.

برای روشن شدن موضوع، خوب است در اینجا ویژگی زنان را بیان کنم:

1 - زنان طوری خلق شده‌اند که به هر کار محبّت‌آمیز، امتیازی خاص می‌دهند حال می‌خواهد آن کار کوچک باشد یا بزرگ.

2 - زنان به مجموع امتیازهایی که شما آورده‌اید نگاه می‌کنند.

شما شش ماه کار کردی و یک سفر عالی برای همسرت فراهم کردی و پیش خودت فکر می‌کنی که این سفر دارای هزار امتیاز است !

آری، ما مردان این گونه هستیم که بین یک سفر و هدیه یک شاخه گل، خیلی فرق می‌گذاریم.

از نگاه ما اگر هدیه شاخه گل، ده امتیاز باشد، یک سفر در بهترین نقطه کشور و در بهترین هتل، هزار امتیاز می‌آورد چرا که ما به هزینه‌ها، نگاه می‌کنیم و امتیاز بندی می‌کنیم.

اما زنان به شاخه گل و سفر، به یک صورت امتیاز می‌دهند ! !

حالا حساب کن که تو شش ماه تلاش کردی و پول سفر را فراهم کردی و از محبّت‌های کوچک دیگر چشم پوشی کردی چون می‌خواستی به یکباره هزار امتیاز به دست آوری، امّا غافل بودی که شما همان ده امتیاز را به دست می‌آوری.

آری، همسر تو نیاز دارد تا هر روز به او محبّت‌های کوچک بکنی !

باز تأکید می‌کنم چون کارهای کوچک برای ما مردان کم ارزش است پس خیال می‌کنیم که این کارها برای همسرمان هم کم ارزش خواهد بود برای همین همواره به فکر این هستیم که برای او کاری بزرگ انجام دهیم.

همسر تو نیازمند اظهار محبّت ‌های پی در پی و هدایای فراوان، امّا کوچک است !

برای او مهم نیست که هدایای تو بزرگ باشد یا کوچک، مهم این است که تو همواره به وسیله‌ای به او محبّت کنی !

این فکر را از سرت بیرون کن که با انجام کارهای بزرگ و شایسته ولی در فاصله زمانی طولانی، بتوانی نیاز عاطفی همسر خود را بر آورده سازی !

آنچه برای همسر تو مهم است استمرارِ موردِ توجّه بودن است اگر چه به صورت یک هدیه کوچک در هر روز باشد.

مردی که یاد گرفته است برای شریک زندگی خود کارهای کوچک انجام دهد همواره شادی و نشاط را در چهره همسر خود می‌یابد و اینجاست که این مرد، احساس خوشبختی می‌کند و اعتماد به نفس قوی پیدا می‌نماید.

حضرت علیعليه‌السلام در سخنی می‌فرماید که زن، «ریحانه» است.42

در زبان عربی به گل خوشبو، «ریحانه» می‌گویند.43

و تو می‌دانی که یک گل خوشبو را باید هر روز آب بدهی و از آن مواظبت بکنی !

آیا می‌توانی بگویی که من شش ماه به گل، آب نمی‌دهم در عوض صبر می‌کنم و یکباره یک استخر آب به آن گل می‌دهم؟

آن وقت دیگر گل تو خشک شده است، یک دریا آب هم نمی‌تواند آن را زنده کند.

پس بیا و هر روز به همسر خود محبّت کن تا همواره شاهد شادابی و نشاط او باشی.

خلاصه آن‌که همسر شما به همان اندازه که از کارهای بزرگ خوشحال می‌شود از کارهای کوچک نیز شاداب می‌شود.

ما می‌توانیم بدون آن که دست به کارهای پر هزینه و بزرگ بزنیم با انجام کارهای کوچک امتیازهای مثبت از همسر خود بگیریم. (البتّه خانم‌های محترم هم باید با قدردانی از اقدامات کوچک شوهرشان آنها را تشویق به ادامه آن بنمایند).

امتحان کنید و یقین داشته باشید که هرگز پشیمان نمی‌شود:

ــ موقعی که وارد خانه می‌شوید قبل از هر کاری همسر خود را در بغل گرفته و او را ببوسید.

ــ در هر فرصتی به او یک شاخه گل هدیه کنید.

ــ از نوع آرایش او تعریف کنید.

ــ اگر به هر دلیل، مجبور هستید دیر به خانه بروید با تلفن به او خبر دهید.

ــ هنگامی که او کار زیادی دارد در شستن ظرفها به او کمک کنید.

ــ در وسط روز، از محل کار خود به او زنگ بزنید و به او بگویید که دوستش دارید.

ــ قبل از ورود به بستر، دوش بگیرید و خود را خوشبو کنید.

ــ هنگام رانندگی، به تذکرات او در رانندگی جامه عمل بپوشانید.

ــ گاه گاهی برای او یک یادداشت محبّت‌آمیز بگذارید.

ــ هنگامی که او با شما سخن می‌گوید مستقیم به چشمهای او نگاه کنید و به او بفهمانید که سراپا گوش هستید.

ــ هنگام گفتگو دستهای او را بگیرید و نوازش کنید.

ــ موقع خروج از منزل او را ببوسید و با او خداحافظی کنید.

ــ به او بگویید: «وقتی که از او دور هستید دلتان برای او تنگ می‌شود».

ــ همین حالا کتاب را زمین بگذارید و به نزد او بروید و به او بگویید: «عزیزم دوستت دارم !».

ــ او را با بوسه صبحگاهی از خواب بیدار کنید.

ــ از او بپرسید: «چه کسی مهتاب را دزدید و در چشم تو گذاشت؟».

ــ از دست ‌پخت او تعریف و تمجید کنید.

ــ به او بگویید: «تو بهترین نعمتی هستی که خدا به من داده است».

ــ گیسوان او را نوازش کنید.

ــ از او بخواهید تا سرش را روی شانه شما بگذارد.

ــ در میان روز، موقعی که او مشغول کارهای خانه است، بدون مقدمه، لحظاتی او را در آغوش بگیرید.

## وقتی که همسرت احساس نا امیدی می‌کند

وقتی که تو به همسر خود عشق می‌ورزی، او از عشق لبریز می‌شود و درخشنده و زیبا می‌شود و تو خیال می‌کنی که این احساس زیبای او ادامه پیدا خواهد کرد.

من اینجا از تو یک سؤال می‌کنم: آیا آسمان همواره آفتابی و صاف است؟

نظام طبیعت این گونه طراحی شده که چند روز آفتاب است و چند روز هم هوا ابری می‌باشد.

آیا درست است که توقّع داشته باشی همیشه آب و هوا خوب باشد؟

اکنون بدان که روحیه همسر تو هم همیشه یک طور نیست.

اگر همسر تو در اوجِ گرمای عشق، ناگهان سرد و یخ می‌شود، تعجّب نکن، همه زنان دنیا این طور هستند !

این یک ویژگی زنان است که تو باید از آن مطّلع باشی تا بتوانی زندگی بهتری داشته باشی.

آری، ما مردان این طوری هستیم که خوشحالی و ناراحتی همسر خود را به حساب خود می‌گذاریم.

اگر او را شاد و شاداب ببینیم به خود افتخار می‌کنیم، امّا اگر او را ناراحت و نا امید بیابیم ناراحت می‌شویم و خیال می‌کنیم که او از ما ناراحت است.

اشتباه ما این است که می‌خواهیم همسر خود را همیشه شاداب ببینیم و برای همین اگر یک روز همسر ما غمناک بود کلافه می‌شویم و از ناراحت بودن او انتقاد کرده و اوضاع را خراب ‌تر می‌کنیم.

اکنون باید بدانی که احساسات زنان اوج و سقوط دارد، زنان بعد از یک مرحله عشق و زیبایی به مرحله یأس و نا امیدی سقوط می‌کنند و دوباره به مرحله عشق، اوج می‌گیرند.

این کاملاً طبیعی است: اوجِ عشق و بعد سقوط در یأس و دوباره اوجِ عشق !

زن بعد از یک مرحله اوج عشق و شادابی، به مرحله یأس و نا امیدی می‌رود تا یک خلأ درونی برای او ایجاد شود و آنگاه بتواند انرژی‌های خود را خنثی کند.

باید توجّه داشته باشی که تمایل همسر تو برای رفتن به مرحله یأس هرگز نشانه این نیست که او از تو ناراحت است بلکه این یک عملکرد طبیعی است تا او بتواند انرژی‌های خود را تخلیه نماید و بعد از آن رابطه بهتری را ایجاد کند.

تو نباید توقّع داشته باشی که همسرت همیشه در نقطه اوج عشق باشد بلکه رفتن همسرت به نقطه یأس را کاملاً طبیعی بدان و در آن لحظات تلاش کن تا با او همدردی بنمایی و او بتواند این مرحله را به سرعت پشت سر بگذارد.

در آن لحظه‌ای که همسرت در مرحله سقوط در یأس و نا امیدی است به شدت نیاز به همیاری تو دارد.

تو نباید از او انتقاد کنی ! چون این رفتار او به خاطر تو نیست، او دارد یک نیاز طبیعی خود را ارضاء می‌کند.

در اینجا او احساس تنهایی و واماندگی می‌کند و خیال می‌کند که بی پناه رها شده است برای همین وقتی شما به همسر خود توجّه می‌کنی، او به سرعت از مرحله سقوط به مرحله اوج شادابی می‌رسد و دوباره همان همسر شاداب تو می‌شود.

ازامروز به بعد، اگر دیدی که روحیه همسرت خراب است و عصبی و افسرده است و نسبت به هر چیزی ابراز مخالفت می‌کند، نگران نشو بلکه بدان که او الآن وارد مرحله یأس شده است.

او نیاز به حمایتِ تو دارد، او نیاز به محبّت بیشتری دارد تا این مرحله را طی کند و حواست جمع باشد مبادا در این مرحله محبّت خود را از او دریغ کنی.

اگر در این مرحله فقط یک گوش شنوا داشته باشی کافی است تا بتوانی به همسرت کمک کنی !

چقدر جالب است که حضرت علیعليه‌السلام به یکی از فرزندانش به نام محمّد حَنَفیّه، وصیّت می‌کند و به او می‌گوید: «پسرم، در همه شرائط با همسر خود مدارا کن و به او خوبی کن تا زندگیت با صفا باشد».44

آری، اگر زندگی راحت و با صفا می‌خواهی باید به سخن حضرت علیعليه‌السلام گوش فرا دهی و همواره با همسر خود مهربان باشی و به او نیکی کنی !

ای کاش، همه پدران ما وقتی که پسران خود را داماد می‌کنند این توصیه را به آنها می‌کردند.

خلاصه آن‌که در مواقعی که همسر تو افسرده و نگران است به حرفهای او گوش فرا بده و از او حمایت کن و بدان که این رفتار او طبیعی است و اتفاق خاصّی نیفتاده است بلکه او دارد یک مرحله احساسات طبیعی خود را طی می‌کند.

مبادا مانع آن بشوی که همسر شما به مرحله یأس برسد !

زیرا اگر مانع بشوی تا همسرت احساسات منفیّ خود را بروز بدهد احساسات زیبای او هم نابود خواهد شد و تو به زودی شاهد آن خواهی بود که دیگر از عشق و شور مستانه همسرت خبری نیست.

تعادل همسر تو در گرو این است که به طور مداوم از مرحله اوج عشق به مرحله یأس برود و دوباره به مرحله اوج شادی، پرواز کند.

اگر برنامه تو به گونه‌ای است که همسرت در زندگیت احساسات منفی و یأس خود را مخفی می‌کند به هوش باش که تو او را به سوی بی احساسی و کشتن عشق، سوق می‌دهی !

آری، این که زنی داشته باشی که احساسات منفی نداشته باشد خوب است، امّا اگر به این آرزو رسیدی، دیگر همسرت احساسات مثبت مثل عشق و شادابی، هم نخواهد داشت و آن وقت در حسرت یک برخورد عاشقانه و شور مستانه او باقی خواهی ماند.

اگر می‌خواهی که به احساسات زیبای عشق و شادمانی همسر خود دست یابی باید احساسات بی تفاوتی و یأس و اندوه او را هم قبول کنی !

همسر تو وقتی در مرحله اوج عشق است به زیبایی‌ها می‌اندیشد و همه چیز را خوب می‌بیند، امّا وقتی در مرحله یأس قرار می‌گیرد به نداشته ‌ها فکر می‌کند و ابرهای تیره و تار در مقابل چشمانش ظاهر می‌شوند.

او در این حالت نصفه خالی لیوان را می‌بیند و ممکن است از شما انتقاد کند.

شما روحیه همسرت را می‌شناسی و می‌دانی که این یک حالت کاملاً طبیعی می‌باشد و رابطه‌ای با رفتار و اخلاق شما ندارد.

آری، همه مردان دنیا، این لحظات یأس همسرشان را دیده‌اند و مهم این است که در آن لحظات، همسر خود را با انتقاد مأیوس‌تر نکنی بلکه باید محبّت خود را به او ارزانی بداری، آنگاه می‌بینی که چگونه همسر تو سریعتر از مرحله یأس عبور می‌کند و به مرحله اوج عشق می‌رسد و دوباره همان فرشته زیبای زندگیت می‌شود و سعادت و خوشبختی را به تو ارزانی می‌دارد.

حالا اگر مایل باشی چند جمله را برایت بنویسم که خوب است در لحظاتی که همسرت در مرحله یأس است برایش بگویی:

ــ می‌دانم دلت نمی‌خواهد مرا ناراحت کنی،

ــ عزیز دلم، می‌توانی به کمک من امیدوار باشی.

ــ محبوبم، به من تکیه کن من تو را تنها نمی‌گذارم.

ــ می‌فهمم که به دلسوزی و محبّت من احتیاج داری و دلت می‌خواهد در آغوشت بگیرم.

ــ از زندگی کردن با تو خیلی خوشحالم و توقّع ندارم که کاملاً بی‌عیب باشی.

ــ مجبورت نمی‌کنم که همیشه خودت را در مقابل من خوشحال نشان دهی.

## چند پیشنهاد برای آقایان

1 - آیا می‌دانید کلید نفوذ به قلب زنان، گوش آنهاست؟

اگر می‌خواهی کاری کنی که همسرت تو را بیشتر دوست داشته باشد باید بدانی که با گفتن کلمات زیبا می‌توانی او را بر سر ذوق آوری.

به راستی شما همسر خود را چه صدا می‌زنید؟

آیا می‌دانید که شما می‌توانید از همین کلمات برای ایجاد صمیمیّت بیشتر استفاده کنید.

گلم ! عزیزم !

قلبم ! قشنگم !

عسلم ! نازنینم !

و ده‌ها کلمه قشنگ دیگر...

شاید بگویی اگر من همسرم را با این نام‌ ها صدا بزنم، او تعجب خواهد کرد.

ولی شما شک نکنید، امتحان کنید !

یکی از این نام ‌ها را با صمیمیّت کامل به همسر خود بگویید، در آغاز، ممکن است همسر شما تعجّب کند، امّا بعد از مدّتی به آن عادت می‌کند و از شنیدن آن لذّت می‌برد.

و البتّه این نکته در ذهن ما مردان کم اهمیّت جلوه می‌کند برای این که ما مردان از راه دیدن، ذوق زده می‌شویم و نه با شنیدن، ولی خانم‌ها، (بر عکس ما مردان)، از راه شنیدن، ذوق زده می‌شوند.

بیا از امروز با خود عهد ببند و همسر خودت را با این نام‌های زیبا صدا بزن و آن گاه ببین که زندگی شما چقدر با صفاتر می‌شود و چقدر همسرت به تو عشق می‌ورزد.

یادم نمی‌رود وقتی من ازدواج کرده بودم یکی از استادانم به من گفت: «می‌خواهم در اوّل زندگیت یک مطلبی را به تو یاد بدهم».

من با خوشحالی تمام، سراپاگوش شدم تا سخن استاد خویش را به خاطر بسپارم.

او به من گفت:

«سعی کن در زندگی خود همواره همسر خود را "امانتِ خدا" صدا کنی».

آری، همسر انسان امانت خداست و این فرموده حضرت علیعليه‌السلام می‌باشد.45

آیا فکر کرده‌ای که اگر همه مردان ما همسران خود را این‌گونه خطاب می‌کردند زنان جامعه ما، چه احساس افتخاری می‌کردند !

ما هنگامی که همسر خود را این‌گونه صدا بزنیم ناخودآگاه متوجّه وظیفه سنگین خود می‌شویم که مبادا در نگهداری این امانت، کوتاهی بکنیم.

2 - در یکی از شب‌های مهتابی زمانی که همسرتان اصلاً احتمالش را نمی‌دهد تلویزیون را خاموش کنید و به همسر خود بگویید می‌خواهم ساعتی در کنار تو و با تو باشم.

آنگاه با هم برخیزید و بیرون بروید و جای خلوتی را پیدا کنید و در زیر نور مهتاب با همسر خود قدم بزنید و خاطرات خوش زندگیتان را برای یکدیگر تعریف کنید.

یک کار دیگر هم می‌توانید بکنید وقتی که باران می‌بارد با هم در زیر باران قدم بزنید زیرا موقع باران، آسمان با زمین عشق بازی می‌کند، البتّه مواظب باشید سرما نخورید ! !

3 - لمس کردن و نوازش کردن یکی از مهم‌ترین نیازهای همسر شما است.

برای همین فراموش مکن که او را در آغوش بگیری و دست خود را به دور شانه او حلقه بزنی.

اگر به این کار عادت کنی زندگی زناشویی موفقی در انتظار توست.

4 - وقتی می‌خواهید از منزل خارج شوید سعی کنید با احساسی صمیمانه با همسر خود خداحافظی کنید.

شما تصوّر کنید این بار آخری است که او را می‌بینید، پس او را ببوسید و از خانه خارج شوید.

5 - زمانی که به سفر می‌روید فراموش نکنید که برای همسر خود یک هدیه بخرید.

این گونه به همسر خود می‌گویید که حتی زمانی که از او جدا بوده‌اید او را فراموش نکرده‌اید.

این پیام برای همسر شما مهم‌تر است از هدیه‌ای که روی دست‌های شماست.

برای همین تصمیم بگیر هرگاه به مسافرت می‌روی برای او هدیه‌ای هر چند کوچک خریداری کنی !

6 - حتما برای شما پیش آمده است که به خانه آمده‌اید و دیده‌اید که همسر شما به سردرد مبتلا شده است.

شما چه کمکی به او می‌توانید بکنید؟

به او پیشنهاد می‌کنید که او را نزد پزشک ببرید ولی می‌بینید که صدای گریه او بلند می‌شود.

تعجّب می‌کنید و حسابی گیج می‌شوید.

تجربه نشان داده است که او در این لحظات به پزشک نیاز ندارد.

او از شما می‌خواهد تا مقداری از وقت خود را صرف او بکنید.

کارهای زندگی و تربیت و نگهداری فرزندان او را خسته کرده و انرژی او تمام شده است، برای همین دیگر طاقت ندارد و این خستگی به صورت سردرد بروز کرده است.

اینجا باید او را مورد محبّت و نوازش قرار دهید !

او بیمار شما می‌باشد و خود شما شفای او هستید !

7 - موفق شدن در زندگی مشترک به اندازه موفق شدن در شغل و کار، مهم می‌باشد، فراموش نکنید که وقتی دوران مختلف زندگی ما به پایان برسد معمولاً افسوس می‌خوریم که چرا ما نسبت به هم، بیش از این مهربان نبوده‌ایم.

عشق و محبّت به همسری که می‌خواهید سال‌ها با او زندگی کنید از کسب مدال طلا یا گرفتن ارتقاء رتبه در سازمانی که در آن کار می‌کنید مهمتر است.

8 - گاه گاهی به این سفارش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جامه عمل بپوشان !

بر سر سفره که نشسته‌ای یک لقمه خوشمزه بگیر و به دهان همسرت بگذار !

و بدان که خداوند به خاطر این کار تو پاداش بزرگی به تو می‌دهد.

این سخن رسول خداست که فرمود: «وقتی که لقمه‌ای به دهان همسر خود می‌گذاری خداوند به تو پاداش می‌دهد».46

9 - سعی کنید همیشه مرتب باشید و به سر و وضع خود برسید.

خوب است این قصّه را از زبان یکی از یاران امام کاظمعليه‌السلام بشنوید:

در کوچه‌های مدینه قدم می‌زدم که نگاهم به امام کاظمعليه‌السلام افتاد.

جلو رفته و پس از عرض سلام، به آن حضرت گفتم: «چه شده که موهای سرو صورتتان را رنگ کرده‌اید؟».

امامعليه‌السلام فرمود: «این که مرد به خود برسد و خود را زینت کند باعث عفّت و پاکدامنی همسرش می‌شود».47

آری، همسر شما دوست دارد که شما را با سر و وضع مرتبی مشاهده کند.

10 - سعی کنید که همیشه خوشبو باشید.

قبل از اینکه کنار همسر خود بروید از عطرهای خوشبو استفاده کنید.

آیا شنیده‌اید پولی که پیامبر برای خرید عطر مصرف می‌کرد بیش از پولی بود که برای غذا و خوراک خود قرار می‌داد.48

مگر پیامبر، الگوی ما مسلمانان نیست؟

ولی ما مسلمانان چقدر از عطر استفاده می‌کنیم؟

تازه اگر هم عطر بزنیم موقعی است که می‌خواهیم به مهمانی مهمّی برویم.

چرا ما چیزهای خوب را برای غریبه‌ها استفاده می‌کنیم و شریک زندگی خود را از آن محروم می‌کنیم؟

همین امروز با همسرت به خرید بروید و عطری را که او دوست دارد خریداری کنید و هرگاه خواستید در کنار او باشید آن عطر را استفاده کنید.

# فصل دوم: بهترین زن دنیا

## آیا می‌خواهی خدا به تو نظر کند ؟

یک روز به مناسبت روز زن، جلسه‌ای برگزار شده بود و از یک خانم دعوت شده بود تا سخنرانی کند و من هم به آن مجلس دعوت شده بودم.

آن خانم پشت تریبون رفت و در مورد جایگاه زن سخن گفت و گفت که زنان امروز جامعه ما در حال گذر از «کُلفت خانه» به سوی «زنان فرهیخته» هستند.

منظور او این بود که وقتی خانمی در خانه کار می‌کند و برای همسر خود زحمت می‌کشد یک نوع کلفتی می‌کند !

این جایگاه زن امروز نیست !

در آن جلسه زنان زیادی حضور داشتند و به این سخنان گوش می‌کردند.

نمی‌دانم وقتی که زنان خانه دار این سخن را شنیدند چه احساسی به آنها دست داد؟

آیا آنها کلفت شوهرشان بودند؟

شما فکر کنید آیا می‌توان با این سخنان، نظام خانواده را حفظ کرد؟

آیا شما اطلاع دارید که آمار طلاق در جامعه ما رو به افزایش است؟

وقتی ما این دیدگاه‌ها را برای زنان جامعه بیان می‌کنیم، آیا می‌توانیم انتظار آن را داشته باشیم که کانون خانواده، گرم و صمیمی باقی بماند !

اکنون در این کتاب می‌خواهم جواب آن خانم سخنران را بدهم.

ای کسی که کار کردن زن در خانه را، کلفتی می‌دانی !

اگر می‌دانستی که خدمت زن در خانه چه مقام و منزلتی پیش خداوند دارد هرگز آن سخن را نمی‌گفتی !

آیا می‌دانید که اگر ما مردان، بخواهیم نظرِ مرحمت ِخدا را به سوی خود جلب کنیم باید چه قدر زحمت بکشیم؟

باید اول یک میلیون تومان به حساب سازمان حج و زیارت بریزیم و بعد از چند سال چشم انتظاری، وقتی نوبتمان شد به مکّه برویم و اعمال حج را به جا آوریم و وقتی که از صحرای عرفات به سوی سرزمین مِنی حرکت کنیم حالا خدای متعال به ما نظر مرحمتی می‌کند، امّا خدا در چه موقعی نظر مرحمت خود را به زنان می‌کند؟

جواب این سؤال را از زبان أُمّ سَلَمه، همسر پیامبر بشنوید !

یک روز أمّ سلمه از پیامبر سؤال کرد که آیا خدمت کردن زنان در خانه شوهرشان، ثوابی هم دارد؟

پیامبر در جواب او فرمود: «هر گاه زنی برای مرتب کردن خانه شوهرش، چیزی را از جایی به جای دیگر ببرد، خداوند به او نظر مرحمت می‌کند».49

خواهرم ! همین الآن نگاه کن ببین چه چیزی در خانه، نا مرتب است، برخیز و آن را مرتب کن، و یقین بدان که خدا به تو نظر مرحمت می‌کند !

خداوند عادل است و اگر زن در خانه شوهر به خدمت مشغول شود برای او چنین ثوابی را قرار می‌دهد !

آیا این خدمت کردن، کلفتی است یا بهترین راه برای این است که رحمت خدا را به سوی خود جلب کنی؟

## خانمی که کارگزار خدا بود

پیامبر در مسجد نشسته است و یارانش گرد او جمع شده‌اند.

و مردی وارد مسجد می‌شود و نزد پیامبر می‌آید، سلام می‌کند و می‌نشیند.

در این هنگام، این سوال مطرح می‌شود که بهترین زن دنیا کیست؟

در اینجا آن مرد رو به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می‌کند و می‌گوید: «ای رسول خدا ! من همسری دارم که هرگاه به خانه بر می‌گردم او به استقبال من می‌آید. و چون می‌خواهم از خانه بیرون بروم تا پشت در مرا بدرقه می‌کند. و هر گاه مرا غمگین ببیند با من این چنین سخن می‌گوید: چرا غم به دل تو آمده است؟ اگر غصه روزی می‌خوری بدان که خدا روزی رسان ما می‌باشد و اگر غم تو به خاطر قبر و قیامت توست، خدا کندکه این غم تو زیادتر شود ».

سخن این مرد به پایان می‌رسد.

همه متعجّب هستند که خدا چه نعمتی به این مرد داده است، نعمت همسری به این خوبی !

همه نگاه‌ها متوجّه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می‌شود تا ببینند او در مورد این زن چه می‌گوید؟

گوش کن !

پیامبر می‌فرماید: «همانا خدا در روی زمین کارگزارانی دارد و این زن یکی از آنهاست و خداوند برای او نیمی از ثواب شهیدان را قرار می‌دهد».50

آیا موافقی با هم کارهای آن زن را مرور کنیم؟

الف. استقبال از شوهر و بدرقه کردن او

ب. همدردی کردن در غم و غصه همسر.

به راستی اگر همه زنان جامعه ما آن زن را الگوی خود قرار می‌دادند، زندگی‌ها چقدر شیرین می‌شد.

## چرا همه خوبی‌ها برای مردان است ؟

نمی‌دانم این سخن را شنیده‌ای که چرا خداوند همه خوبی‌ها ثواب‌ها را برای مردان قرار داده است؟

من بارها این سخن را شنیده‌ام.

چه پاسخی می‌توان به این سخن داد؟

همسر پیامبر هم همین سؤال را از آن حضرت نموده است.

یک روز، امّ سلمه (همسر پیامبر) به پیامبر عرضه داشت: «مردان در همه خوبی‌ها از زنان پیشی گرفتند پس برای زنان چه چیزی مانده است؟»

شما فکر می‌کنید که پیامبر در جواب او چه فرمود؟

آیا می‌دانی که خداوند در مقابل حاملگی زن چه ثوابی به او می‌دهد؟

در آن نُه ماه، خداوند ثواب روزه دار برای او می‌نویسد.

و چون نوزاد به دنیا آید هرگز نمی‌توان ثوابی را که خدا به مادر می‌دهد حساب نمود.

آیا می‌دانید هر بار که نوزاد شیر مادر را می‌خورد، خدا چقدر ثواب به مادر می‌دهد؟

پیامبر فرمود: «برای هر بار شیر مکیدن نوزاد، خداوند ثواب آزاد کردن یک بنده را می‌دهد».51

به طور متوسط، هر نوزاد در روز، ده بار شیر می‌خورد و در هر باری که شیر می‌خورد بیش از صد مرتبه شیر می‌مکد، با این حساب اگر یک مادر، نوزاد خود یک سال شیر دهد در این مدّت، ثواب آزاد کردن بیش از 360000 بنده را کسب کرده است.

در احادیث اهل بیتعليه‌السلام می‌بینیم که برای نشان دادن اهمیّت ثواب کارهای خیر، آن کارهای نیک با ثواب آزاد کردن یک بنده، مقایسه شده است.

مثلاً هر کس در هنگام افطار به فقیری یک وعده غذا بدهد ثواب آزاد کردن یک بنده دارد.52

ما مردان باید در ماه رمضان، فقیری را پیدا کنیم و از مالِ حلال خود به او یک وعده غذا بدهیم تا خدا ثواب آزاد کردن یک بنده به ما بدهد، امّا آن مادری که به نوزاد خود یک وعده شیر می‌دهد صد برابر ما ثواب دارد !

## آیا می‌خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی ؟

آیا می‌دانید ثواب آنان که در راه خدا جهاد می‌کنند چیست؟ آیا شنیده‌اید که ثواب یک روز جهاد در جبهه حق علیه باطل از چهل سال عبادت بیشتر است.

در احادیثی دیگر آمده است که درهای آسمان برای جهاد کنندگان باز می‌شود و در روز قیامت یکی از درهای بهشت مخصوص آنهاست.53

شاید شنیده باشی که خداوند جهاد را از زنان برداشته است.

برای من خیلی جالب بود که حضرت علیعليه‌السلام در سخنی فرموده‌اند که خداوند جهاد را بر مرد و زن واجب کرده است.

ولی جهاد مرد با زن فرق می‌کند!

جهاد مرد این است که به جبهه برود و در راه اسلام با دشمنان بجنگد.

و جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند.54

اگر (خدای ناکرده) دشمنان به مرز و بوم کشور اسلامی حمله کنند و جنگی پیش بیاید آن وقت ما می‌توانیم به جهاد برویم !

و صد البتّه بسیار سخت است که جان خویش بر کف بگیری و از همه دنیا دل بکنی و به جنگ دشمنان بروی !

خداوند، جهاد زنان را در همان محیط خانه و زندگیشان قرار داده است.

و همان ثوابی را که جهاد کنندگان دارند به زنانی می‌دهد که خوب شوهرداری کنند.

راستی آیا فکر کرده‌ای که چرا شوهرداری کردن زنان، با جهاد مردان مقایسه شده است؟

اگر ما مردان به جهاد می‌رویم تا از کشور و ناموس اسلام دفاع کنیم، زنان مسلمان نیز با شوهرداری کردن از کانون خانواده دفاع می‌کنند.

حضرت علیعليه‌السلام با کلام خود به این نکته اشاره می‌کند که شوهرداری کردن اگر از روی عشق و صفا باشد یک نوع جهاد است، زیرا زنان با همین کار با فروپاشی خانواده، جنگ می‌کنند.

ای زنان مسلمان !

شما با خوب شوهرداری کردن، از مهم‌ترین رکن جامعه اسلامی محافظت می‌کنید همان‌طور که جهاد کنندگان از مرز خاکی کشور محافظت می‌کنند.

شما از حریم عشق و محبّت حمایت می‌کنید تا در سرتاسر جامعه، محبّت جوانه بزند، رشد کند و ثمر دهد.

اینکه شوهر شما مرد مهربانی باشد و شما با او بسازید که هنر نیست زیرا در این صورت، شما خوبی دیده‌اید و در مقابل خوبی کرده‌اید.

ولی اگر شوهر شما مردی باشد که گاه‌گاهی در حقوق شما کوتاهی کند ولی شما ایثار کنید و خوب شوهرداری کنید هنر کرده‌اید !

اینجاست که خدا برای شما ثواب جهاد را می‌نویسد !

آری، در سخن حضرت علیعليه‌السلام دقّت کن، جهاد زن این است که بر آزار شوهر و سختگیری او در غیرت وزری صبر کند !

این همان زنی است که ثواب یک روز شوهرداری او از چهل سال عبادت بیشتر است، این همان زنی است که درهای آسمان برای او باز می‌شود.

آری، با وجودی که این زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و طلاق بگیرد، امّا با این شوهر بداخلاق می‌سازد و خدا هم این مقام و ثواب بزرگ را به او می‌دهد !

## آرایش کردن برای شوهر

مراسم ازدواج یکی از دوستان من بود و و من هم به آن مجلس دعوت شده بودم.

در آن میان، یکی دیگر از دوستان خود را دیدم که با او کار مهمّی داشتم.

بعد از مراسم، پیش او رفتم و خواستم در مورد مسأله‌ای با او سخن بگویم.

ولی او گفت که من باید زود به خانه بروم و از من درخواست کرد که سخن در مورد آن مسأله را برای فرصت دیگری بگذارم.

من گفتم: کجا با این عجله؟

او گفت: می‌خواهم بروم همسرم را ببینم !

من تعجّب کردم مگر او همسرش را ندیده است؟

او که تعجّب مرا دید گفت:

امشب که شب عروسی است خانم من به خودش رسیده و لباس زیبا به تن کرده و من باید زود به منزل بروم (و قبل از آن‌که همسرم آن لباس‌های زیبا را با لباس‌های همیشگی خود عوض کند) او را ببینم ! !

و او بعداً برایم گفت: «خانم من هر چه لباس کهنه و به درد نخور دارد مقابل من می‌پوشد و از هیچ آرایشی استفاده نمی‌کند، من باید خدا خدا کنم تا یک مجلس عروسی فرا برسد و همسر من لباس‌های زیبای خود را بپوشد و مقداری به خودش برسد، آن وقت او را زیبا ببینم ».

به نظر شما چرا همسر او نباید بهترین لباس‌ها را برای شوهرش به تن کند و خود را برای او زینت کند؟

امام باقرعليه‌السلام فرمود: «زن نباید آرایش کردن برای شوهر را فراموش کند».55

این که زن نباید خود را در مقابل نا محرم آرایش کند سخنی به حق است، امّا سخن من در این است که در محیط خانه که غریبه‌ای نیست چرا بعضی از زنان، آنچنان که باید به زینت خود نمی‌پردازند؟

این دستور اسلامی است که زن باید خود را برای شوهرش آرایش نماید و خود را خوشبو کند.

مگر امام صادقعليه‌السلام نفرمود که بهترین زنان زنی است که برای شوهر خود خوشبوتر باشد.56

یادم نمی‌رود که یک روز تلفن همراه من زنگ زد، وقتی من جواب دادم، صدای گریه خانمی را شنیدم.

من تعجّب کردم و گفتم چه شده است؟

جواب شنیدم: «تو را به خدا به من کمک کنید، زندگی من دارد از هم می‌پاشد شوهر من به من علاقه ندارد و...».

من به او گفتم: خونسردی خود را حفظ کن و به سؤالهای من جواب بده !

و از او سؤال کردم که آیا خود را برای شوهرت، زینت می‌کنی؟

جواب او منفی بود.

من به آن خانم این دستورهای ساده را دادم:

به موهای خود رنگ زیبایی بزن، یک لباس زیبا و جذّاب تهیه کن، یک عطر خوش بو خریداری کن و آن لحظه‌ای که شوهرت به منزل می‌آید به استقبال او برو در حالی که:

گیسوان خود را شانه زده و مرتب کرده‌ای

لباس زیبا و جذاب بر تن نموده‌ای

خود را آرایش کرده و عطر خوبی زده‌ای

شوهرت را در آغوش بگیر !

او گفت که من خجالت می‌کشم، من تا به حال این کارها را نکرده‌ام !

من در جواب او گفتم که اگر زندگی خود را دوست داری این کار را بکن !

خلاصه آن‌که بعد از یک هفته همان خانم زنگ زد، امّا این بار با شادمانی از من تشکّر می‌کرد.

خواهرم !

آیا می‌دانید یکی از بهترین راههایی که می‌توانید علاقه شوهر خود را نسبت به خود بیشتر کنید از راه همین چشم‌ها و نگاه‌های شوهرتان می‌باشد؟

آیا می‌دانید که بیشتر مردان با آنچه که می‌بینند بر سر ذوق می‌آیند در حالی که زنان با شنیدن، ذوقشان گل می‌کند.

آری، راه نفوذ بر قلب شوهرتان همان چشم اوست !

برای خودتان لباس‌های زیبا و جذاب و گیرا و چشم نواز بخرید و آن لباس‌ها را برای شوهرتان بپوشید.

از همسر خود بخواهید همراه شما به خرید بیاید و لباسی را که از دیدن آن لذّت می‌برد برای شما خریداری کند.

آیا می‌دانید بدترین صحنه‌ای که یک مرد در زندگی می‌بیند چیست؟

من این سؤال را از مردان زیادی پرسیده‌ام.

خیلی‌ها این جواب را داده‌اند:

این که چشمشان به همسرشان بخورد در حالی که لباسی، نامرتب بر تن دارد و موهایی ژولیده مانند سیم ظرف شویی داشته باشد !

چرا بعضی خانم‌ها وقتی قرار است به مهمانی بروند این‌قدر به خود می‌رسند، امّا برای شریک زندگی خود، به ظاهر خود رسیدگی نمی‌کنند.

آیا می‌دانید که اگر به خودتان رسیدگی نکنید حق شوهر خود را ضایع کرده‌اید؟

آیا می‌دانید که یکی از حقوق شوهر که بر عهده شماست خوشبو بودن است؟

اگر موافق باشی قصّه‌ای را برایت نقل کنم.

یک روز، یکی از زنان مدینه، پیش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آمد و از آن حضرت سؤال کرد: «ای رسول خدا ! من می‌خواهم بدانم وظیفه من نسبت به شوهرم چه می‌باشد؟».

پیامبر در جواب آن زن فرمود: «خود را به بهترین عطرها خوشبو کنی، بهترین لباس‌های خود را بپوشی، بهترین زینتها را استفاده کنی، هر صبح و شب خود را بر او عرضه کنی».57

خواهرم !

خوب می‌دانی که احکام دین اسلام برای سعادت ما می‌باشد.

لحظه‌ای فکر کن که اگر همه زنان مسلمان همین دستور پیامبر را انجام می‌دادند زندگی‌ها چقدر با صفا بود؟

آری، خدا بر شوهر تو واجب کرده است تا کار و تلاش کند و نفقه شما را تأمین کند.

خرج خورد و خوراکِ تو بر عهده مرد می‌باشد و او باید برای تأمین آن، هر روز به دنبال کار برود.

آیا درست است که تو در وظیفه خود نسبت به شوهرت کوتاهی کنی؟

باید لباس زیبا بپوشی و عطر بزنی و آرایش کنی و خود را به شوهرت عرضه کنی !

البتّه خود می‌دانی که باید مواظب باشی تا نامحرمی تو را نبیند و بوی خوش تو را استشمام نکند چرا که اگر زنی برای نامحرم، خود را خوشبو کند نماز او قبول نمی‌شود و مورد لعن و نفرین فرشتگان واقع می‌شود.58

خواهرم !

بار دیگر سخن پیامبر را بخوان !

حالا دیگر با وظیفه خود آشنا شده‌ای !

پس برخیز و بهترین لباس خود را بپوش و خود را زیبا کن !

و همواره در زندگی به این دستور اسلامی، عمل کن تا کانون خانواده شما همواره مستحکم بماند.

## ثواب هزار شهید می‌خواهی ؟

من دیگر خسته شده‌ام، نمی‌توانم با این مرد زندگی کنم، می‌خواهم طلاق بگیرم.

این سخنان خانمی بود که برای مشاوره پیش من آمده بود و تصمیم گرفته بود تا به زندگی زناشویی خود خاتمه ببخشد.

من هر چه با او سخن گفتم که در تصمیم خود عجله نکن، او قبول نمی‌کرد.

آخر به او گفتم که شوهر شما چه مشکلی دارد که می‌خواهی از او جدا شوی؟

او چنین گفت: «شوهر من خیلی بداخلاق است، در خانه همیشه فریاد می‌کند، در این دو سال زندگی اصلاً با من خوش اخلاقی نکرده است».

من رو به آن خانم کردم و گفتم که آیا می‌دانی که شهید چقدر مقام دارد؟

او با تعجّب به من گفت که من از اخلاق بد شوهرم به تنگ آمده‌ام تو به من می‌گویی که شهید چقدر ثواب دارد؟

من به او گفتم: کمی صبر داشته باش.

شهید کسی است که به بالاترین فضیلت رسیده است و نزد خدا مقامی بس بزرگ پیدا کرده است.

آری، شهادت بیشتر نصیب مردانی می‌شود که برای دفاع از اسلام به جنگ رفته‌اند و به این فیض بزرگ نائل شده‌اند.

## آیا زنان از ثواب شهادت بی بهره‌اند؟

همان دینی که برای شهید این‌قدر ثواب بیان کرده است، برای زنان هم، راهی را قرار داده است تا به ثواب هزار شهید برسند.

اینجا دیگر آن خانم به سخنان من علاقمند شده بود و با دقّت گوش می‌کرد.

من ادامه دادم که در حدیث آمده است: «چند گروه از زنان در روز قیامت با حضرت زهرا عليها‌السلام محشور می‌شوند و خداوند ثواب هزار شهید به آنها می‌دهد. یکی از آن زنان، زنی است که بر بد اخلاقی شوهرش صبر کند».59

آیا می‌دانی اگر بر این بد اخلاقی شوهرت صبر کنی خداوند ثواب هزار شهید به تو می‌دهد؟

آیا این مقدار ثواب، کم است؟

به راستی بقای کانون خانواده این‌قدر برای خداوند مهم است که حاضر است ثواب هزار شهید را به آن زنی بدهد که تلاش می‌کند تا یک خانواده از هم نپاشد.

شما در کجای دنیا می‌توانید چنین اهمیّتی را که اسلام به خانواده داده است، بیابید !

آری، زنی که در زندگی خود با بد اخلاقی شوهر خود می‌سازد و نمی‌گذارد فرزندان او به «بچه‌های طلاق» تبدیل شوند، فداکاری بزرگی می‌کند و خداوند نیز در مقابل این فداکاری، ثواب هزار شهید به او می‌دهد.

با شنیدن این سخنان، آن خانم به زندگی خود بازگشت.

بهترین شفیع برای یک خانم

آیا این صدا را می‌شنوی؟

من خانه تنهایی هستم، من خانه تاریکی هستم !

این صدای قبر من و تو است که هر روز این ندا را می‌دهد !

امام صادقعليه‌السلام فرمود که قبر هرروز این چنین سخن می‌گوید.60

آیا برای تاریکی قبر فکری کرده‌ایم؟

ما سفری در پیش رو داریم که دیر یا زود فرا می‌رسد و باید برای خود زاد و توشه‌ای داشته باشیم.

شما فکر می‌کنید بهترین چیز برای انسان در آن لحظه چه می‌باشد؟

آن لحظه‌ای که همه، ما را تنها می‌گذارند.

همه دوستان و آشنایان، بعد از اینکه ما را به خاک سپردند به منزل برمی‌گردند و ما می‌مانیم و یک دنیا تنهایی و تاریکی !

خواهرم !

آیا می‌خواهی سخن امام باقرعليه‌السلام را برایت ذکر کنم؟

آن حضرت در حدیثی فرمود که در شب اول قبر، هیچ چیز برای زن، بهتر از رضایت شوهرش نیست !

آری، بهترین شفیع زن در قبر، رضایت شوهرش می‌باشد !

امام باقرعليه‌السلام ادامه می‌دهد:

وقتی که حضرت زهراعليها‌السلاماز دنیا رفت، حضرت علیعليه‌السلام او را به خاک سپرد.

بعد از اینکه مراسم به خاک سپاری حضرت زهراعليها‌السلامتمام شد حضرت علیعليه‌السلام، کنار قبر همسر خود ایستاد و رو به آسمان کرد و با خدا چنین سخن گفت: «بار خدایا ! من از دختر پیامبر تو راضی هستم».61

حضرت علیعليه‌السلام می‌داند که در آن لحظه هیچ چیز به اندازه رضایت شوهر، برای حضرت زهراعليها‌السلاممفید نیست برای همین این دعا را می‌کند !

خواهرم !

به حقّ حضرت زهرا عليها‌السلام به گونه‌ای زندگی کن که شوهر شما هم همین دعا را برایت بکند !

چقدر خانم‌ها را دیده‌ام که چون از قبر و قیامت می‌ترسند، کارهای مستحبی زیادی انجام می‌دهند، در حالی که حقوقِ واجبِ شوهر خود را مراعات نمی‌کنند !

بعضی از آقایان به من مراجعه کرده‌اند و پیش من درد دل کرده‌اند که زن من هر شب چهارشنبه، به جمکران می‌رود، و من از این کار او ناراضی هستم، امّا هر چه به او می‌گویم که من راضی نیستم، او گوش نمی‌کند.

آخر کجا امام زمانعليه‌السلام، راضی است که زن بدون اجازه شوهر به جمکران برود؟

آخر ما با این دردهای جامعه خود چه کنیم؟ با چه کسی سخن بگوییم؟

چرا بعضی از زنان جامعه باید این چنین از وظیفه خود بی‌اطلاع باشند !

از آن زمانی که عشقِ بدون معرفت، گریبان‌گیر جامعه ما شد، از آن زمان که ما به دنبال کسب معرفت نرفته، اهل عرفان شدیم، این بلاها بر سر ما آمد.

خواهر من !

اگر می‌خواهی خدا به تو رحم کند،

اگر می‌خواهی برای سفر قبر و قیامت خود کاری کنی،

اگر می‌خواهی شب اول قبر شب راحتی تو باشد،

اگر می‌خواهی امام زمانعليه‌السلام از تو راضی باشد،

کاری کن که شوهرت از تو راضی باشد.

امّا ای آقای محترم، با شما هستم،

می‌دانم که همسرت را خیلی دوست داری !

او در زندگی شما خیلی زحمت می‌کشد و برای راحتی شما چه سختی‌ها را تحمّل می‌کند !

بیا الآن، عهدی با خودت ببند !

اگر تقدیر این گونه بود که بعد از صد سال، همسر تو زودتر از تو جان به جان آفرین تسلیم کرد، همان کاری که حضرت علیعليه‌السلام انجام داد، تو هم انجام بده.

تو نباید بعد از آن‌که همسر مهربانت را دفن کردند زود به خانه برگردی !

اگر می‌خواهی به همسرت کمکی کرده باشی، اگر می‌خواهی که زحمات او را بی پاسخ نگذاری ! باید این کاری را که می‌گویم بکنی !

در این لحظه حساس، همسر تو محتاج آن دعای توست !

شاید هم از او در زندگی مشترک مقداری گِله داشتی امّا دیگر وقت این حرفها نیست !

خودت را جای او بگذار!

تو باید او را کمک و یاری کنی ! او سخت‌ترین لحظه‌ها را سپری می‌کند !

آری، تو وضو می‌گیری و می‌آیی کنار قبر همسر خود می‌ایستی و دست‌هایت را به سوی آسمان بلند می‌کنی و چنین می‌گویی:

خدایا !

من از همسر خود راضی هستم !

و چون خداوند این سخن تو را می‌شنود رحمت را بر همسر تو نازل می‌کند.

هیچ وقت نگو که خدا می‌داند که من از او راضیم.

مگر خدا نمی‌دانست که حضرت علیعليه‌السلام از حضرت زهراعليها‌السلامراضی است، امّا در گفتن این جمله کنار قبر، رازی نهفته است که حضرت علیعليه‌السلام، همین جمله را کنار قبر همسرش می‌گوید.

خدا همه گناهان تو را بخشید !

## آیا تا به حال کربلا رفته‌ای؟

خوشا به حالت آن وقتی که در «بین الحرمین» قدم بر می‌داشتی و زمزمه می‌کردی:

حال اگر کربلا رفتی و آداب این سفر را مراعات کردی خداوند ثواب زیادی به تو می‌دهد.

سخن گفتن در مورد آداب کربلا، نیاز به فرصت دیگری دارد ولی در اینجا به این نکته اشاره می‌کنم که امام صادقعليه‌السلام خطاب به آنان که کربلا می‌روند، امّا آداب این سفر را رعایت نمی‌کنند فرمود: «اگر به کربلا نروید بهتر است».62

یکی از یاران امام صادقعليه‌السلام، چون این سخن را از آن حضرت شنید عرض کرد: «مولای من! با این سخن کمر مرا شکستی؟ چرا این چنین سخن می‌گویی؟».

حتما تو همین سؤال را می‌کنی، مگر زیارت کربلا مورد تأکید واقع نشده است، پس چرا امام صادقعليه‌السلام این گونه سخن می‌گوید؟

علّت آن این است که در کربلا باید همواره غمناک باشی و در آن سرزمین خنده نکنی و عطر نزنی و...

به هر حال، چون زائر واقعی امام حسینعليه‌السلام می‌خواهد ازکربلا برگردد فرشته‌ای او را ندا می‌کند که خدا گناهان تو را بخشید و پرونده اعمال تو پاک شد.

آیا می‌دانی وقتی مادری نوزاد خود را بزرگ کرده و آن نوزاد از شیر گرفته شد فرشته‌ای می‌آید و خطاب به مادر می‌کند و با او سخن می‌گوید؟

خواهرم !

آیا آن صدا را شنیده‌ای؟

آن فرشته چه می‌گوید؟

پیامبر فرمود که آن فرشته چنین می‌گوید: «خدا گناهان تو را بخشید و پرونده اعمال تو پاک شد».63

آری، مادری که فرزند خود را یک سال و نیم یا بیشتر شیر داده است، شایسته دریافت جایزه بزرگی است !

و خداوند همان جایزه‌ای را که به زائر کربلا می‌دهد به این مادر می‌دهد.

خواهرم !

آیا باز هم می‌گویی که خدا بین مردان و زنان فرق گذاشته است؟

و تو می‌دانی که من نمی‌خواهم ثواب زیارت کربلا را کمرنگ کنم بلکه من می‌خواهم ثواب شیر دادن به فرزند را برایت بیان کنم.

تو باید در هنگامی که به فرزند خویش شیر می‌دهی چنان احساس غرور و افتخار کنی که همه حسرت آن احساس درونی تو را داشته باشند.

لیوان آبی که عبادتی بزرگ است !

همسر تو از صبح زود به محل کار رفته است و چه زحماتی را کشیده تا بتواند زندگی بهتری برای خانواده خود فراهم کند.

اکنون دیگر نزدیک است که به خانه برگردد.

چه چیزی می‌تواند خستگی او را بر طرف کند؟

آیا چیزی جز محبّتی که از همسر خود می‌بیند می‌تواند این خستگی را از دل و جان او بزداید؟

شوهرت به خانه آمده است و تو مثل همیشه یک فنجان چای یا یک لیوان نوشیدنی برای او می‌آوری !

شوهرت این چای یا نوشیدنی را در دست تو می‌بیند که با چه عشقی به او تقدیم می‌کنی.

و شاید به من بگویی: «من هم خسته‌ام، در خانه کار زیاد انجام داده‌ام، خوب چه اشکال دارد آقایِ شوهر، خودش برود و چای بریزد و بخورد؟».

من در جواب تو می‌گویم:

اشکالی ندارد، امّا من دوست ندارم تو یک ضرر بزرگ بکنی !

و حتما با خود می‌گویی یک لیوان آب یا یک فنجان چای دست شوهر ندادن دیگر این‌قدر بزرگ نمایی ندارد؟

آیا موافقی حدیث رسول خدا را برای تو بخوانم؟

آن حضرت فرمود: «هر زنی که به شوهر خود، آب گورا بدهد و او را سیراب سازد بداند که این کار او از یک سال عبادت بهتر است، یک سال عبادتی که شب ‌ها تا به صبح مشغول نماز باشد و روزها روزه بگیرد».64

خواهرم !

حتما تعجّب کردی که چرا پیامبر یک لیوان آب دست شوهر دادن را بالاتر از یک سال نماز شب خواندن و یک سال روزه گرفتن می‌داند !

تعجّب نکن !

نگاهی به جامعه فعلی ما بینداز، ببین آمار طلاق چقدر بالا رفته است !

ببین همه هشدار می‌دهند که در جامعه باید کانون خانواده‌ ها را استحکام بخشید !

آری، این کلام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را باید زنانی بشنوند بدترین رفتار را با شوهر خود دارند !

اگر زنانی که مشتاق کمال معنوی هستند این حدیث را بشنوند حتماً سعی می‌کنند که بهتر شوهر داری بنمایند.

خواهرم !

ممکن است شوهر شما صبح با حالت قهر و غضب خانه را ترک کرده باشد و واقعاً هم حق با شما باشد، امّا شما برای این که ثواب یکسال روزه و نماز شب را داشته باشی، بزرگواری کن و با یک لیوان شربت، از شوهر خود پذیرایی کن !

تو این کار را به خاطر خدا و به خاطر خودت، انجام بده !

آری، من نمی‌گویم به خاطر شوهرت، من می‌گویم چه طور شما در دل شب، وقتی همه خواب هستند بلند می‌شوی وضو می‌سازی و رو به قبله می‌ایستی و نماز شب می‌خوانی، آیا قصد قربت نمی‌کنی؟

یک لیوان شربت خوشمزه آماده کن و آن را پیش شوهرت ببر !

نگو من کوچک می‌شوم، تو داری با خدا معامله می‌کنی، چه کار به این داری که شوهرت چه فکری می‌کند.

اکنون به جاست که به تو بگویم: «عبادتت قبول !».

آری، این یک لیوان شربت که به دست شوهرت دادی عبادت بود، آن هم چه عبادتی !

به امید آن روزی که همه زنان جامعه ما محبّت به همسر را از بزرگ‌ترین عبادتها بدانند.

## بهترین راه آمرزش گناهان

همه ما می‌دانیم که گناه و معصیت، روح انسان را آلوده می‌کند و مانع بزرگی برای رشد و کمال او محسوب می‌شود.

گناه باعث سیاهی قلب انسان می‌گردد، به طوری که دیگر او لذّت مناجات با خداوند را درک نمی‌کند و نمی‌تواند با او معاشقه نماید و در درگاه او قطره اشکی بریزد.

این گناه است که انسان را از نماز شب محروم می‌دارد و هم‌چنین مانع باریدن باران می‌شود و موج بلا را به سوی انسان می‌کشاند.65

به همین دلیل انسان باید برای بخشش گناهانش فکری بکند تا اثرات آن بیش از این در زندگی او باقی نماند.

البتّه گناهانی که مربوط به حق الناس است باید نسبت به پرداخت حق مردم اقدام نمود، امّا سؤال این است گناهانی را که مربوط به حق اللّه است چگونه از پرونده اعمال خود پاک کنیم؟

خواهرم !

آیا اطلاع دارید پیامبر خدمت کردن به همسر را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بخشش گناهان معرفی کرده است؟

آن حضرت فرمود: «چون زنی به شوهر خود آب گوارایی بدهد خداوند شصت گناه او را می‌بخشد».66

آری، اگر چشم باطن می‌داشتی می‌دیدی که چگونه گناهانت هنگامی که به شوهر خود خدمت می‌کنی از وجودت فرو می‌ریزد.

در آن موقع که با عشق، به همسر خود خدمت می‌کنی، دقّت کن که چگونه در وجودت نشاط و شادمانی موج می‌زند و گویی که روحت سبک شده است.

این نشاط و سبکی برای این است که روح تو از تیرگی گناهان پاک شده است، گویی آن زنجیرهایی که از گناهان به پای روح شما بسته شده بود باز شده و برای همین است که روح تو می‌تواند آزادانه پرواز کند.

تصوّر کنید یک نفر مثلاً یک هفته بدن خود را شستشو نداده حال که بعد از یک هفته به حمام می‌رود و بدن خود را تمیز می‌کند یک احساس سبکی و راحتی به او دست می‌دهد، چون که بدنش تمیز شده و آلودگی‌ها از آن پاک شده است.

همین طور وقتی شما برای همسر خود یک نوشیدنی می‌بری و خدمت او را می‌کنی، گناهان از صفحه روح شما زدوده می‌شود، در نتیجه شما احساس سبکی و نشاط می‌کنی.

خلاصه کلام آن‌که همانطور که اسلام نماز و روزه، استغفار، دعا و گریه را برای پاک شدن گناهان معرفی می‌کند خدمت کردن به شوهر را به عنوان یکی از بهترین راههای بخشش گناه اعلام می‌نماید.

پس برای این‌که به بخشش الهی برسی به شوهر خود توجّه بیشتری کن و تمام عشق و محبّتی را که انتظارش را داری، به همسر خود هدیه کن تا طوفانی سهمگین بر برگ برگ گناهانت وزیدن کند و مشمول بخشش بی انتهای خداوند شوی.

اتاق تنهایی شوهرت را بشناس !

وقتی برای تو مشکلی پیش می‌آید چه کار می‌کنی؟

درست است، تلاش می‌کنی تا یک نفر را بیابی که با او درد دل کنی و از این راه، مقداری آرام بشوی.

آری، برای زنان، درد دل کردن یک نیاز طبیعی برای رفع فشارهای روحی می‌باشد.

برای همین است که وقتی متوجّه می‌شوی برای شوهرت مشکلی پیش آمده است نزد او می‌روی تا با او سخن بگویی، چون فکر می‌کنی او هم مثل تو نیاز به همدم دارد، امّا این کار تو نه تنها به شوهرت کمکی نمی‌کند بلکه موجب آزار او می‌شود.

حتما تعجّب می‌کنی !

آری، جای تعجّب هم دارد و تو نمی‌دانی که چقدر خانواده‌ها به خاطر ندانستن این موضوع با مشکل روبرو شده‌اند.

حالا من می‌خواهم یک «راز مردانه» را یاد تو بدهم و فکر نمی‌کنم شوهرت تا به حال آن را به تو گفته باشد.

وقتی یک مرد با مشکلی روبرو می‌شود دوست دارد به گوشه تنهایی برود و در پشت دیوار سکوت پناه بگیرد.

آری، حتما دیده‌ای که شوهرت از محل کار به خانه آمده است و در دنیای خود فرو رفته است !

درست این همان لحظه‌ای است که شوهر شما به «اتاق تنهایی» خود رفته است.

تو باید بدانی که شوهر شما به جای آن‌که با دیگران درد دل کند دوست دارد در تنهایی، به مشکل خود فکر کند و خودش راه حلّی پیدا کند و وقتی به راه حلّ مفیدی رسید و به آرامش خود دست یافت از آن حالت انزوا خارج می‌شود.

آری، زنان با همصحبتی با دیگران به آرامش می‌رسند، امّا مردان با فکر کردن و یافتن راه حلّ است که به آرامش می‌رسند.

پس بگذار شوهرت در مسیر یافتن راه حل گام بردارد و چون راه حل مشکل خود را یافت و به آرامش رسید خودش سراغ تو خواهد آمد.

او در موقعی که در اتاق خلوت خودش است 95% حواسش به مشکلش می‌باشد و برای همین نمی‌تواند در این لحظه، نیاز محبّت تو را پاسخ بدهد.

تو باید در این موقع صبرکنی و نگران هم نشوی و بدانی که این حالت شوهرت کاملاً طبیعی است.

به زودی او از اتاق خلوت خود بیرون می‌آید و دوباره همان شوهر مهربان تو می‌شود به شرط این که او را مقداری، راحت بگذاری.

پس به من قول بده وقتی دیدی شوهرت، در فکر فرو رفته است، لحظاتی او را به حال خودش بگذاری و این‌قدر نگران نشوی.

از امروز دیگر از این رفتار شوهر خود نگران نمی‌شوی چون آن را طبیعی می‌دانی و خوب می‌دانی که اگر شوهرت در دنیای خود فرو رفته است به هیچ وجه از تو و زندگی تو ناراحت نیست بلکه دارد در اتاقِ تنهایی خود سیر می‌کند و به زودی به اتاقِ عشق باز خواهد گشت.

## سکوت شوهرت را درست معنی کن !

حتما در زندگی شما پیش آمده است که شوهر شما مدّتی در سکوت فرو رفته است.

من زنان زیادی را دیده‌ام که سکوت شوهر خود را این گونه معنی کرده‌اند: «شوهر من با این کار به من پیام می‌دهد که دیگر از من سیر شده است».

وقتی مردان می‌فهمند که همسرشان سکوت آنها را این‌گونه معنی کرده نزدیک است که از تعجّب شاخ در بیاورند !

امّا علّت این که زنان سکوت شوهر خود را این گونه تفسیر می‌کنند چیست؟

وقتی در ویژگی زنان دقّت می‌کنیم می‌بینیم که یک زن، زمانی سکوت می‌کند که طرف مقابل خود را قابل اعتماد نمی‌یابد و برای همین خیال می‌کند اگر شوهر او سکوت کرده برای این است که به او اعتماد ندارد.

این فکر غلطی است چون سکوت زن و مرد با هم فرق دارد، آری، زن سکوت می‌کند چون به طرفِ مقابل خود اعتماد ندارد، امّا مرد سکوت می‌کند چون می‌خواهد فکر کند و راه حلی پیدا کند.

جالب است بدانید که مرد با سکوت، فکر می‌کند، امّا زن با سخن گفتن، فکر می‌کند.

خوب است مقداری در این باره توضیح بدهم:

آیا می‌دانید هدف زنان از سخن گفتن چیست؟

جواب این سؤال خیلی عجیب است: هدف زنان از سخن گفتن، رسیدن به چیزهایی است که مردان برای رسیدن به همان چیزها سکوت می‌کنند.

اینجاست که مرد و زن باید ویژگی‌های یکدیگر را خوب بشناسند تا بتوانند زندگی سعادتمندی داشته باشند.

در اینجا به دو هدف مشترکی اشاره می‌کنم که زن و مرد برای رسیدن به آنها، دو راه متفاوت طی می‌کنند:

الف . فکر کردن و پردازش نمودن اطلاعات

هنگامی که در زندگی و یا کار یک مرد مسأله‌ای پیش می‌آید که باید در مورد آن فکر شود، مرد سکوت می‌کند و به فکر کردن و پردازش اطلاعات می‌پردازد، ولی درست در همین شرایط، زن نیاز دارد تا یک نفر را پیدا کند و با او سخن بگوید و به این وسیله پردازش اطلاعات نماید.

رسیدن به آرامش و بدست آوردن روحیه خوب.

مرد وقتی با ناراحتی و نگرانی روبرو می‌شود سکوت می‌کند و می‌خواهد از این راه به آرامش برسد و از فشار نگرانی خود فرار کند، امّا زن، هنگامی که با استرس روبرو می‌شود شروع به سخن گفتن می‌کند.

خواهرم !

اکنون هرگاه دیدی که شوهر تو سکوت اختیار کرده است این‌گونه به او کمک کن:

الف . از حالت سکوت و خاموشی او انتقاد نکن.

ب . کوشش نکن تا با سخنان خود او را در حلّ مشکلش، یاری نمایی.

ج . انتظار نداشته باش که در این شرایط، او احساسات خود را برای شما بیان کند.

د . خونسردی خود را حفظ کن.

وقتی شوهرت از تو فاصله می‌گیرد

بارها پیش آمده است دیده‌ای که شوهرت ، به یکباره، نسبت به تو بی‌خیال و بی احساس می‌شود.

آقایِ شوهر از تو فاصله می‌گیرد و دیگر توجّهی به تو نمی‌کند.

هر چه فکر می‌کنی که چه اشتباهی مرتکب شده‌ای به نتیجه‌ای نمی‌رسی، ولی بعد از مدّتی می‌بینی که سر و کله همان آقایِ شوهر مهربان پیدا شد.

خواهرم !

آیا می‌دانی همه مردان دنیا این طوری هستند؟

این یک ویژگی مردانه است، خوب گوش کن !

ما مردان، گاهی از چیزهای مورد علاقه خود فاصله می‌گیریم، امّا بعد از مدّتی با عشق بیشتری به سوی آنها باز می‌گردیم.

پس اگر شوهر تو هم مثل بقیّه مردان، گاهی از تو فاصله می‌گیرد نگران نباش !

چقدر خانم‌ها را دیده‌ام که چون شوهرشان از آنها فاصله گرفته است نگران شده‌اند.

آری، یک زن فقط وقتی از شوهر خود فاصله می‌گیرد که از او رنجیده باشد برای همین زن خیال می‌کند اکنون که شوهرش از او فاصله گرفته پس حتما از او رنجیده شده است.

نه، این طور نیست، ممکن است اصلاً شوهرتان از شما رنجیده نشده باشد، امّا نیاز داشته باشد مدّتی از شما فاصله بگیرد.

و حق داری بگویی که دنیای شما مردان دنیای عجیبی است !

تو باید این مطالب را بدانی !

تو می‌خواهی یک عمر با شوهرت زندگی کنی پس چقدر ویژگی‌های او را می‌شناسی؟

گاهی مرد بدون آن که خودش هم دلیل آن را بداند احساس می‌کند که باید از همسرش فاصله بگیرد، امّا بعد از مدّتی دوباره به سوی همسرش بر می‌گردد و با شدت بیشتری به او اظهار علاقه می‌کند.

شما باید بدانید که او از شما فاصله می‌گیرد تا استقلال خود را به دست آورد.

در صورتی که شما شوهر خود را از نیاز خود محروم کنید در واقع فرصت اندیشه کردن درباره عشق را از او گرفته‌اید.

شوهر شما وقتی در عشق ورزی به کمال رسید بعد از مدّتی، یاد استقلال خود می‌افتد و برای رسیدن به آن استقلال از شما فاصله می‌گیرد.

شما نباید از چیزی بترسید، مقداری صبر کنید وقتی نیاز او به استقلال ارضاء شد، آن وقت می‌بینی با دنیایی از عشق به سوی شما باز می‌گردد.

برای همین اگر گاهی شوهرتان خواست بدون شما و با دوستان خود به گردش برود به او این اجازه را بده تا نیاز او به عشق ورزیدن به تو زنده شود.67

## چند پیشنهاد برای خانم‌ها

1 - سعی کنید لطافتی را که در بوی خوش نهفته است کشف کنید.

مجموعه‌ای از عطرهای خوب تهیه کنید و هر شب، یکی از آنها را استفاده کنید و از شوهرتان بخواهید تا به شما بگوید از کدام عطر بیشتر خوشش می‌آید.

وقتی که متوجّه شدید که شوهر شما با چه عطری بیشتر ذوق می‌کند همواره آن عطر را استفاده کنید.

2 - وقتی قرار است مهمان بیاید خانه را به چه شکلی در می‌آوری؟

همین امشب همه آن کارها را انجام بده ! خانه را مرتب کن و شام خوشمزه‌ای تهیه کن !

زیباترین لباس خود را بپوش !

اگر بتوانی چند شاخه گل روی میز بگذار.

شوهرت وارد خانه می‌شود و سؤال می‌کند که آیا امشب مهمان داریم؟

و تو می‌گویی:

«بله، عزیزترین عزیزانم مهمان من است !».

و با دست اشاره به شوهرت می‌کنی !

آری، تو بهترین مهمانی هستی که خدا به من داده است.

3 - راه نفوذ بر قلب شوهر، چشم اوست، پس تلاش کن که اورا از راه آنچه می‌بیند مجذوب خود کنی !

امروز به مغازه برو و چند شمع بزرگ و زیبا خریداری کن !

نور شمع یکی از راههای آسان و موثر برای ایجاد محیط صمیمی است.

اگر به رستورانهای درجه یک رفته باشی می‌بینی که آنها با روشن کردن چند شمع و استفاده از نور آن، محیطی دوستانه و پر از لطافت به وجود می‌آورند !

ساعتی را مشخّص کن به عنوان ساعت عشق و مکان خاصّی از خانه را به عنوان اتاق عشق !

شمع‌ها را آنجا روشن کن !

و شوهرت را به آنجا دعوت کن !

نور ملایم شمع بر آن فضا می‌تابد و شوهر شما وارد آنجا می‌شود.

آیا می‌دانی اگر مرد در چنین محیطی قرار بگیرد بی درنگ احساس آرامش می‌کند !

نور شمع باعث می‌شود تا حالتی خوشحال کننده پیش بیاید !

شوهر شما سؤال می‌کند که این کارها برای چیست؟ و شما در جواب می‌گویی:

«نور قرمز شمع، نور عشق است، و از قلب من، همواره نور عشق بر وجود تو می‌تابد».

4 - برای آن که یک احساس خوب به شوهرتان بدهید لازم نیست کارهای زیادی انجام دهید، آری، گاه یک لبخند، یک بوسه کفایت می‌کند، در این جاست که شوهر شما به زندگی خود می‌بالد.

شما باید بدانید به خاطر خوشبختی خودتان هم که شده باید همسر شاد و خوشحالی داشته باشید برای همین تلاش کنید تا اسباب شادمانی او را فراهم سازید.

در درون شوهر شما، کودک کم سن و سالی است که نیاز به مراقبت دارد، شما باید آن کودک درون همسر خود را نوازش کنید.

شاید باور نکنید وقتی شوهرشما خسته از محل کار بر می‌گردد و شما به استقبال او می‌روید و یک فنجان چای تازه دم به او می‌دهید، چقدر شوهرتان احساس خوشبختی می‌کند.

5 - وقتی شوهرتان از محل کار به خانه می‌آید بد اخلاقی را کنار بگذارید و سعی کنید به روی او لبخند بزنید.

عادت کنید که به مدّت یک ساعت بعد از آمدن شوهرتان به خانه، هیچ حرف ناخوشایندی نزنید.

او نیاز به استراحت فکر دارد، بگذارید مقداری ذهن او آرام بگیرد، بعد از یک ساعت اگر حرفی دارید با او در میان بگذارید.

6 - آیا می‌دانید بهترین زنان چه کسی است؟

امام صادقعليه‌السلام می‌فرماید: «بهترین زنان زنی است که چون با شوهرش خلوت کند لباس حیا را از تن بکند و چون از خانه بیرون رود، لباسی از حیا و عفّت بر تن کند».68

آری، حیا و عفّت چیز خوبی است، امّا نه در مقابل شوهر خودت !

این دستور اسلام است که زن هنگامی که با شوهر خود خلوت می‌کند، بایستی برای شوهر خود طنّازی و عشوه‌گری کند و هر گونه پرده و حجاب میان خود و شوهرش را بردارد.

او باید حالت خجالت را در هنگامی که با شوهر است کنار بگذارد تا غریزه جنسی شوهر او به شکلی حلال و کامل و درست اشباع گردد در این صورت است که وقتی مرد به محل کار می‌رود دیگر هیچ مجالی برای توجّه به زنان دیگر پیدا نمی‌کند.

پیامبر بهترین زنان را زنی معرفی می‌کند که نسبت به شوهر خود حالتِ شهوت بیشتری داشته باشد.69

7 - از باغچه خانه خود مقداری گل زیبا و خوش بو بچین.

شاید هم اصلاً خانه شما باغچه‌ای ندارد، خوب اشکال ندارد می‌توانی چند شاخه گل از گل‌فروشی خریداری کنی.

شب که شد قبل از اینکه شوهر شما به بستر برود گلبرگ‌ های آن گل‌ها را بر روی بستر او بپاش.

هنگامی که همسر شما می‌آید تا استراحت کند به او این چنین بگو:

«زندگی کردن با تو برایم مانند بستری از گلهای زیباست».

اکنون در بستری از گلبرگ در کنار همسر خود باشید و از کنار هم بودن لذّت ببرید.

گلبرگ گل‌ها می‌تواند خستگی‌های همسرتان را بر طرف کند و به او انرژی مثبت و شادمانی بدهد.

امیدوارم این کتاب توانسته باشد محبّت شما را نسبت به همسرتان، زیادتر نموده و کانون خانواده شما را پر از عطر خوش عشق و دوستی کرده باشد.

«پایان»

# منابع

1 . أُسد الغابة، ابن الأثیر، (630 ق)، دار الکتاب العربی، بیروت.

2 . الإصابة، ابن حجر، (852 ق)، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود والشیخ علی محمّد معوّض، الطبعة الأولی، 1415 ق، دار الکتب العلمیة، بیروت.

3 . إعلام الوری بأعلام الهدی، الشیخ الطبرسی، (548 ق)، مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، الطبعة الأولی، 1417 ق، قمّ.

4 . إقبال الأعمال، السیّد ابن طاووس، (664 ق)، تحقیق: جواد القیومی الإصفهانی، الطبعة الأولی، مکتب الإعلام الإسلامی، قمّ.

5 . الأمالی، الشیخ الصدوق 381، الطبعة الأولی، 1417 ق، مؤسّسة البعثة، قمّ.

6 . الأمالی، الشیخ الطوسی، (460 ق)، الطبعة الأولی، (1414 ق)، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزیع، قمّ.

7 . بحار الأنوار، العلاّمة المجلسی، (111 ق)، الطبعة الأولی، 1403 ق ، دار إحیاء التراث العربی، بیروت.

8 . البدایة و النهایة، ابن کثیر، (774 ق)، تحقیق: علی شیری، الطبعة الأولی، 1408 ق، دار إحیاء التراث العربی، بیروت.

9 . بشارة المصطفی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، محمّد بن علی الطبری، (525 ق)، تحقیق: جواد القیومی، الطبعة الأولی، 1420 ق، مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرّسین، قمّ.

10 . تاج العروس، الزبیدی، (1205 ق)، تحقیق علی شیری، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.

11 . تاریخ بغداد، الخطیب البغدادی، (463 ق)، تحقیق مصطفی عبد القادر عطاء، الطبعة الأولی، دار الکتب العلمیة، بیروت.

12 . تحف العقول، ابن شعبة الحرانی، (القرن الرابع) تحقیق: علی أکبر الغفاری، الطبعة الثانیة، 1404 ق، مؤّسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، قمّ.

13 . تحفة الأحوذی، المبارکفوری (1282 ق)، الطبعة الأولی، 1410 ق، دار الکتب العلمیة، بیروت.

14 . تفسیر العیّاشی، محمّد بن مسعود العیّاشی، (320 ق)، تحقیق: الحاج السیّد هاشم الرسولی المحلاّتی، مکتبة العلمیة الإسلامیة، طهران.

15 . تهذیب الأحکام، الشیخ الطوسی، (460 ق)، تحقیق وتعلیق: السیّد حسن الموسوی، الطبعة الثالثة، 1364 ش، دار الکتب الإسلامیة، طهران.

16.تهذیب التهذیب، ابن حجر، (825 ق)، الطبعة الأولی، 1404 ق، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.

17.تهذیب الکمال، جمال الدین یوسف المزی، (724 ق)، تحقیق الدکتور بشّار عواد معروف، الطبعة الرابعة، مؤسّسة الرسالة، بیروت.

18 . الثقات ، ابن حبّان ( 354 ق) ، الطبعة الأولی ، 1393 ق ، مجلس دائرة المعارف بحیدر آباد ، مؤسّسة الکتب الثقافیّة ، هند .

19 . ثواب الأعمال، الشیخ الصدوق، (381 ق)، الطبعة الثانیة، 1368ش، منشورات الشریف الرضی، قمّ.

20 . جامع أحادیث الشیعة، السیّد البروجردی، (1383 ق)، المطبعة العلمیة، قمّ.

21 . جامع الرواة ، محمّد علی الأردبیلی ( 1101 ق) ، مکتبة المحمّدی .

22 . جامع السعادات، محمّد مهدی النراقی (1209) تحقیق السیّد محمّد کلانتر، دار النعمان للطباعة والنشر، نجف.

23 . الجامع الصغیر، جلال الدین السیوطی، (911 ق)، الطبعة الأولی، 1401 ق ، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.

24 . الحدائق الناضرة، المحقّق البحرانی، (186 ق)، تحقیق وتعلیق وإشراف: محمّد تقی الإیروانی، مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، قمّ.

25 . الخصال، الشیخ الصدوق، (381 ق)، تصحیح وتعلیق: علی أکبر الغفاری، منشورات جماعة المدرّسین فی الحوزة العلمیة، قمّ.

26 . الدرّ المنثور، جلال الدین السیوطی، (911 ق)، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت.

27 . الدرّ النظیم، ابن حاتم العاملی، (664 ق)، مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرّسین، قمّ.

28 . دستور معالم الحکم، ابن سلامة، (454 ق)، مکتبة المفید، قمّ.

29 . دعائم الإسلام، القاضی النعمان المغربی، (363 ق)، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام بالاُوفسیت عن طبعة دار المعارف فی القاهرة.

30 . الدعوات، قطب الدین الراوندی، (573 ق)، الطبعة الأولی، 1407 ق، مدرسة الإمام المهدی، قمّ.

31 . الدیباج علی مسلم، جلال الدین السیوطی، (911 ق)، الطبعة الأولی، 1416 ق، دار ابن عفّان للنشر والتوزیع، المملکة العربیة السعودیة.

32 . رجال ابن داوود، ابن داوود الحلّی، (740 ق)، تحقیق: السیّد محمّد بحر العلوم، الطبعة الأولی، منشورات الرضی، قمّ.

33 . رجال الطوسی، الشیخ الطوسی، (460 ق)، تحقیق: جواد القیومی الإصفهانی، الطبعة الأولی، مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، قمّ.

34 . روضة الواعظین، الفتّال النیشابوری، (508 ق)، تحقیق: محمّد مهدی الخرسان، منشورات الشریف الرضی، قمّ.

35 . سنن ابن ماجة، محمّد بن یزید القزوینی (273 ق) تحقیق محمّد فؤاد عبد الباقی، دار الفکر، بیروت.

36 . سنن أبی داوود، ابن الأشعث السجستانی، (275 ق)، تحقیق وتعلیق: سعید محمّد اللحّام، الطبعة الأولی، 1410 ق، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.

37 . سنن الترمذی، الترمذی، (279 ق)، تحقیق وتصحیح: عبد الرحمن محمّد عثمان، الطبعة الثانیة، 1403 ق، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.

38 . السنن الکبری، البیهقی، (458 ق)، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.

39 . شرح نهج البلاغة، ابن أبی الحدید، (656 ق)، تحقیق: محمّد أبو الفضل إبراهیم، مؤسّسة مطبوعاتی إسماعیلیان، قمّ بالأُوفسیت عن طبعة دار إحیاء الکتب العربیة.

40 . صحیح البخاری، البخاری، (256 ق)، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع بالأُوفست عن طبعة دار الطباعة العامرة بإستانبول.

41 . صحیح مسلم، مسلم النیسابوری، (261 ق)، دار الفکر، بیروت، لبنان، طبعة مصحّحة مقابلة علی عدّة مخطوطات ونسخ معتمدة.

42 . صفات الشیعة، الشیخ الصدوق، (381 ق)، انتشارات عابدی، تهران.

43 . الطبقات الکبری، محمّد بن سعد، (230 ق)، دار صادر، بیروت.

44 . عمدة القاری، العینی، (855 ق)، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

45 . عیون أخبار الرضا عليه‌السلام، الشیخ الصدوق، (381 ق)، تصحیح وتعلیق وتقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، 1404 ق، مؤسّسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت.

46 . الغدیر، الشیخ الأمینی، (1392 ق)، الطبعة الرابعة، 1397 ق، دار الکتب العربی، بیروت.

47 . فتح الباری، ابن حجر، (852 ق) الطبعة الثانیة، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت.

48 . فصول المهمّة فی أُصول الأئمّة، الحرّ العاملی، (1104 ق)، تحقیق محمّد القائینی، الطبعة الأولی، 1418 ق، مؤسّسة إسلامی إمام رضا عليه‌السلام.

49 . فضائل الأشهر الثلاثة، الشیخ الصدوق (381 ق) تحقیق: غلامرضا عرفانیان، الطبعة الثانیة.

50 . فقه الرضا، علی بن بابویه، (329 ق)، الطبعة الأولی، 1406 ق، مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث. قمّ.

51 . القاموس المحیط، الفیروز آبادی، (817 ق)، الطبعة الأولی.

52 . قرب الإسناد، الحِمیَری القمّی، (300 ق)، مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، قمّ.

53 . الکافی، الشیخ الکلینی ،(329 ق)، تصحیح وتعلیق: علی أکبر الغفاری، الطبعة الخامسة، دار الکتب الإسلامیة، طهران.

54 . کامل الزیارات، جعفر بن محمّد بن قولویه، (367 ق)، الطبعة الأولی، 1417 ق، مؤّسة نشر الفقاهة.

55 . کمال الدین وتمام النعمة، الشیخ الصدوق، (381 ق)، تصحیح وتعلیق: علی أکبر الغفاری، 1405 ق، مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، قمّ.

56 . کنز العمّال، المتّقی الهندی، (975 ق)، ضبط وتفسیر: الشیخ بکری حیانی، تصحیح وفهرسة: الشیخ صفوة السقا، 1409 ق، مؤسّسة الرسالة، بیروت.

57 . لسان العرب، ابن منظور، (711 ق)، الطبعة الأولی، نشر أدب الحوزة، قمّ.

58 . مجمع البحرین، الشیخ الطریحی، (1085 ق)، تحقیق: السیّد أحمد الحسینی، الطبعة الثانیة، 1408 ق، مکتب النشر الثقافة الإسلامیة.

59 . مجمع الزوائد، الهیثمی، (807 ق)، الطبعة الأولی، 1408 ق، دار الکتب العلمیة، بیروت.

60 . المحاسن، أحمد بن محمّد بن خالد البرقی، (274 ق)، تحقیق: سیّد جلال الحسینی، دار الکتب الإسلامیه، طهران

61 . المزار، محمّد بن المشهدی، (610 ق)، تحقیق: جواد القیومی، الطبعة الأولی، 1419 ق، نشر القیوم، قمّ.

62 . المستدرک، الحاکم النیسابوری، (405 ق)، إشراف: یوسف عبد الرحمن المرعشلی، طبعة مزیدة بفهرس الأحادیث الشریفة.

63 . مستدرک الوسائل، المیرزا النوری، (320 ق)، الطبعة الأولی، 1408 ق، مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام، قمّ.

64 . مستطرفات السرائر، ابن إدریس الحلّی، (598 ق)، الطبعة الثانیة، 1411، مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرّسین بقمّ.

65 . مسند أبی یعلی، أبو یعلی الموصلی، (307 ق)، تحقیق حسین سلیم أسد، دار المأمون للتراث.

66 . مسند أحمد، أحمد بن حنبل، (241 ق)، دار صادر، بیروت.

67 . مسند الشهاب، ابن سلامة، (454 ق)، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، الطبعة الأولی، مؤسّسة الرسالة، بیروت.

68 . المعجم الأوسط، سلیمان بن أحمد الطبرانی، (360 ق)، الطبعة الأولی، 1415 ق، دار الحرمین للطباعة والنشر والتوزیع.

69 . المعجم الکبیر، الطبرانی، (360 ق) تحقیق حمدی السلفی، دار إحیاء التراث العربی، بیروت لبنان

70 . معجم رجال الحدیث، السیّد الخوئی، (411 ق)، الطبعة الخامسة، 413 ق، طبعة منقّحة ومزیدة.

71 . مکارم الأخلاق، الشیخ الطبرسی (548 ق) الطبعة السادسة، منشورات الشریف الرضی، قمّ.

72 . کتاب من لا یحضره الفقیه، الشیخ الصدوق، (381 ق)، تصحیح وتعلیق: علی أکبر الغفاری، الطبعة الثانیة، مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، قمّ.

73 . میزان الحکمة، محمّد الریشهری، تحقیق دار الحدیث، الطبعة الأولی، دار الحدیث.

74 . نصب الرایة، کمال الدین الزیعلی (762 ق)، تحقیق أیمن صالح شعبان، دار الحدیث القاهرة، مصر.

75 . نقد الرجال ، التفرشی ( القرن الحادی عشر) ، الطبعة الأولی ، 1418 ق ، مؤّسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث .

76 . نوادر الراوندی، فضل اللّه الراوندی، (571 ق)، تحقیق سعید رضا علی عسکری، الطبعة الأولی، دار الحدیث، قمّ.

77 . نهج البلاغة، شرح: الشیخ محمّد عبده، الطبعة الأولی، 1412 ق، دار الذخائر، قمّ.

78 . وسائل الشیعة، الشیخ الحرّ العاملی، (1104 )، الطبعة الثانیة، 1414 ق، مؤّسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، قمّ.

## نویسنده، کتب، ناشر

ارتباط با نویسنده

دوستان خوبم! دوست دارم نظر شما را درباره این کتاب بدانم، نظر شما، سرمایه من است.

پیامک خود را به سامانه پیام‌کوتاه من به شماره 30004569 بفرستید.

شما را دوست دارم و فقط به عشق شما می‌نویسم.

سامانه پیام‌کوتاه 30004569

سایت www.hasbi.ir

ایمیل khodamian@yahoo.com

## درباره نویسنده

دکتر مهدی خُدّامیان آرانی به سال 1353 در شهرستان آران و بیدگل اصفهان دیده به جهان گشود. وی در سال 1368 وارد حوزه علمیّه کاشان شد و در سال 1372 در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشان در سال 1376 به شهر قمّ هجرت نمود و دروس حوزه را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه داد و مدرک سطح چهار حوزه علمیّه قم (دکترای فقه و اصول) را أخذ نمود.

موفقیّت وی در کسب مقام اوّل مسابقه جهانی کتاب رضوی بیروت در تاریخ 88/8/8 مایه خوشحالی هموطنانش گردید و اوّلین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اوّل را کسب نماید.

بازسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجالیّ شیعه از دیگر فعالیّت‌های پژوهشی این استاد است که فهارس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشمند در اوّلین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطّی به رتبه برتر دست یافته است و در سال 1390 به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدّامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیّت‌های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش از 50 کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوایز مهمّی در جشنواره‌های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی - حدیثی از مهمترین ویژگی این آثار می‌باشد.

آثار فارسی ایشان با عنوان «مجموعه اندیشه سبز» به بیان زیبایی‌های مکتب شیعه می‌پردازد و تلاش می‌کند تا جوانان را با آموزه‌های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همّت انشارات وثوق به زیور طبع آراسته شده است.

## کتب نویسنده

اشاره

کتب فارسی

ناشر همه کتاب‌های فارسی، نشر وثوق می‌باشد.

این فهرست کتاب‌های چاپ شده تا سال 1392 می‌باشد.

رمان مذهبی

1 - مهاجر بهشت: حوادث روزهای پایانی زندگی پیامبر

2 - قصه معراج : حوادث و شگفتی‌های معراج پیامبر

3 - بانوی چشمه: زندگی حضرت خدیجه(س)

4 - فریاد مهتاب: زندگی حضرت زهرا(س)

5 - روشنی مهتاب: پاسخ به شبهات وهابیت - دفاع از حقیقت و ولایت

6 - سرزمین یاس: ماجرای بخشش فدک به فاطمهعليها‌السلام

7 - روی دست آسمان: عید غدیر

8 - سکوت آفتاب: شهادت حضرت امیر المؤنین

9 - آرزوی سوم: ماجرای جنگ خندق

10 - فانوس اول: ماجرای شهادت مالک بن نویره

11 - الماس هستی: دهه امامت، غدیر خم.

12 - در قصر تنهایی: ماجرای صلح امام حسنعليه‌السلام

19-13: هفت شهر عشق: نگاهی نو به حماسه عاشورا (این کتاب در چاپ اول در هفت کتاب چاپ شد، در چاپ دوم به بعد در یک جلد چاپ شد).

20 - در اوج غربت: ماجرای شهادت مسلم بن عقیل

کتاب «سلام بر خورشید» در موضوع امام‌حسینعليه‌السلام می‌باشد (شرح زیارت عاشورا).

21 - صبح ساحل: حوادث زندگی امام صادقعليه‌السلام

22 - لذت دیدار ماه: ثواب زیارت امام رضاعليه‌السلام

23 - داستان ظهور: زیبایی‌های ظهور امام زمانعليه‌السلام

24 - حقیقت دوازدهم: اثبات ولادت امام زمانعليه‌السلام

25 - آخرین عروس: داستان میلاد امام زمانعليه‌السلام

کتاب «راهی به دریا» شرح زیارت آل‌یاسین می‌باشد و کتاب «گمگشته دل» در فضیلت انتظار ظهور نوشته شده است. این‌دو کتاب نیز در موضوع امام‌زمانعليه‌السلام می‌باشد.

آموزه‌های دینی

26 - خدای خوبی‌ها: خداشناسی، توحید ناب

27 - با من تماس بگیرید: راه و روش دعا کردن

28 - با من مهربان باش: مناجات با خدا

29 - خدای قلب من: مناجات با خدا

30 - تا خدا راهی نیست: سخنان خدا با پیامبران

31 - در آغوش خدا: زیبایی‌های مرگ مومن

32 - یک سبد آسمان: نگاهی به چهل آیه قرآن

33 - راهی به دریا: شرح زیارت آل یاسین معرفت امام زمانعليه‌السلام

34 - سلام بر خورشید: شرح زیارت عاشورا

35 - نردبان آبی: شرح زیارت جامعه، امام‌شناسی

36 - گمگشته دل: فضیلت انتظار ظهور

37 - آسمانی‌ترین عشق: فضلیت محبت به اهل بیتعليه‌السلام

38 - همسر دوست داشتنی: زندگی زناشویی بهتر

39 - بهشت فراموش شده: احترام به پدر و مادر

40 - سمت سپیده: ارزش علم دانش

41 - چرا باید فکر کنیم: ارزش فکر و اندیشه

42 - لطفا لبخند بزنید: ارزش لبخند و شادمانی

43 - راز خشنودی خدا: آثار کمک کردن به مردم

44 - به باغ خدا برویم: فضیلت حضور در مسجد

45 - راز شکرگزاری: شکر نعمت‌های خدا

46 - فقط به خاطر تو: آثار اخلاص در عمل

47 - معجزه دست دادن : آثار دست دادن، ارتباط اجتماعی

کتب عربی

49 - تحقیق « فهرست سعد » .

50 -تحقیق « فهرست الحمیری » .

51 - تحقیق « فهرست حمید ».

52 - تحقیق « فهرست ابن بطّة ».

53 - تحقیق « فهرست ابن الولید » .

54 - تحقیق « فهرست ابن قولویه » .

55 - تحقیق « فهرست الصدوق » .

56 - تحقیق « فهرست ابن عبدون » .

57 - تحقیق « آداب أمیر المؤمنین» .

58 - الصحیح فی فضل الزیارة الرضویة .

59 - الصحیح فی البکاء الحسینی .

60 - الصحیح فی فضل الزیارة الحسینیة .

61 - الصحیح فی کشف بیت فاطمه(س).

62 - صرخة النور.

63 - إلی الرفیق الأعلی.

نشر وثوق

(ناشر همه کتاب‌های فارسی، نشر وثوق می‌باشد).

انتشارات وثوق از سال 1376 فعالیت خود را درحوزه نشر کتاب آغاز کرد و امروز بسیار خرسند است که قدمی هر چند کوچک در جهت ترویج تعالیم اسلام و پاسخ گویی به نیازهای فکری وفرهنگی نسل جوان کشورعزیزمان ایران برداشته واین توفیق الهی قرین راهش بوده که محققان واندیشوران علم و ادب را همچنان از این دریای معرفت وبصیرت جرعه نوش کند.

چاپ و نشر بیش از 350 عنوان اثر در موضوعات مذهبی ، اخلاقی ، اجتماعی ، فلسفه وکلام به صورت عمومی و تخصصی حاصل کوشش های این انتشارات است.

از جمله کارهای بسیار مهم و ارزشمند انتشارات وثوق قرارداد مجموعه کتابهایی تحت عنوان اندیشه سبز می باشد که این قرارداد از ابتدای سال 1386 شروع شده است و تاکتون توانستم 48 عنوان کتاب تحت عوان اندیشه سبز روانه بازار نماییم.

از ویژگی های مهم این مجموعه می توان به سادگی و روانی مطالب مذهبی با رویکرد داستان و رمان اشاره کرد که با توجه به مستند بودن مطالب و استفاده از منابع دست اول کتب شیعه و سنی با قلمی بسیار شیوا جوانان عزیز را جذب کرده و کلام ناب معصومین علیهم السلام را ترویج نماییم.

خرید کتاب‌های فارسی نویسنده

تلفکس: 700 35 77-0253-همراه: 39 58 252 0912-خرید اینترنتی: سایت نشر وثوق: www.Nashrvosoogh.com

سامانه پیام کوتاه نشر وثوق 30004657735700

منابع

1 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «الکادّ علی عیاله کالمجاهد فی سبیله»: الکافی ج 5 ص 88 ، کتاب من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 168 ، وسائل الشیعة ج 17 ص 67 ، مستدرک الوسائل ج 7 ص 378 ، بحار الأنوار ج 93 ص 324. 2 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «إنّ صبر المسلم فی بعض مواطن الجهاد یوماً واحداً خیر له من عبادة أربعین سنة»: مستدرک الوسائل ج 11 ص 21 ، شرح نهج البلاغة ج 10 ص 39. 3 . رسول للّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «... إنّ العمرة خیر من الدنیا وما فیها...»: مجمع الزوائد ج 3 ص 74 ، المعجم الکبیر ج 9 ص 44 ، کنز العمّال ج 7 ص 601.

رسول للّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «العمرة کفّارة لکلّ ذنب...»: کتاب من لا یحضره الفقیه ج 2 ص 220 ، وسائل الشیعة ج 14 ص 301. 4 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «... من کان فی خدمة عیاله فی البیت ولم یأنف ، کتب اللّه اسمه فی دیوان الشهداء... وکتب له بکلّ قدم ثواب حجّة وعمرة»: مستدرک الوسائل ج 13 ص 48 ، بحار الأنوار ج 132101 ، جامع أحادیث الشیعة ج 12 ص 403 ، جامع السعادات ج 2 ص 109. 5 . دخل رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم علی علیّ عليه‌السلام فوجده هو وفاطمة عليها‌السلام یطحنان فی الجاروش ، فقال النبیّ: أیّکما أعیی؟ فقال علیّ: فاطمة یا رسول اللّه، فقال لها: قومی یا بنیة. فقامت وجلس النبیّ موضعها مع علیّ فواساه فی طحن الحبّ: بحار الأنوار ج 42 ص 51. 6 . إذا أردت زیارة الرضا عليه‌السلام بطوس فاغتسل عند خروجک عن منزلک وقل حین تغتسل: اللّهمّ طهّرنی وطهّر قلبی... وسرّ حتّی تقف علی قبره عليه‌السلاموتستقبل وجهه بوجهک ، واجعل القبلة بین کتفیک ، وقل: أشهد أن لا إله إلاّ اللّه... وارزقنی بهم خیر الدنیا والآخرة»: عیون أخبار الرضا عليه‌السلام ج 1 ص 302. 7 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «...لا یخدم العیال إلاّ صدّیق أو شهید أو رجل یرید اللّه به خیر الدنیا والآخرة»: مستدرک الوسائل ج 13 ص 48 ، بحار الأنوار ج 101 ص 132 ، جامع أحادیث الشیعة ج 12 ص 403. 8 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «قول الرجل للمرأة إنّی أحبّک لا یذهب من قلبها أبداً»: الکافی ج 5 ص 569 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 23. 9 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «جلوس المرء عند عیاله أحبّ إلی اللّه تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا»: میزان الحکمة ج 2 ص 1186 نقلاً عن تنبیه الخواطر ج 2 ص 122. 10 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «تهادوا تحابوا، تهادوا فإنّها تذهب بالضغائن»: الکافی ج 5 ص 144 ، الخصال ص 77 ، وسائل الشیعة ج 17 ص 287؛ رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «تهادوا فإنّ الهدیة تذهب وحر الصدر...»: فتح الباری ج 5 ص 145 ، عمدة القاری ج 13 ص 125 ، تحفة الاحوذی ج 6 ص 276 ، المعجم الأوسط ج 2 ص 146 ، نصب الرایة ج 5 ص 256 ، مسند الشهاب لابن سلامة ج 1 ص 382. 11 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «إذا خرج أحدکم إلی سفر ثمّ قدم علی أهله ، فلیهدهم ولیطرفهم ولو حجارة»: مکارم الأخلاق ص 266. 12 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «إنّ الصدقة لتطفئ غضب الربّ...»: قرب الإسناد ص 76 ، النوادر للراوندی ص 83؛ الإمام الصادق عليه‌السلام: «إنّ صدقة اللیل تطفئ غضب الربّ»: الکافی ج 94 ، تفسیر العیاشی ج 2 ص 108؛ رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «الصدقة فی السرّ تطفئ غضب الربّ»: المستدرک للحاکم ج 3 ص 568 ، صحیح ابن حبّان ج 8 ص 103. 13 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «الصدقة تمنع سبعین نوعاً من أنواع البلاء...»: الجامع الصغیر ج 2 ص 115 ، کنز العمّال ج 6 ص 346 ، تاریخ بغداد ج 8 ص 204؛ رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «الصدقة تمنع میتة السوء...»: ثواب الأعمال ص 140 ، مکارم الأخلاق ص 378. 14 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «اکثروا الصدقة ترزقوا...»: أعلام الوری ص 333 ، بحار الأنوار ج 74 ص 176. 15 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «الصدقة تقضی الدین وتخلف بالبرکة...»: الکافی ج 4 ص 9 ، عدّة الداعی ص 60 ، وسائل الشیعة ج 9 ص 367. 16 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «تبسّمک فی وجه أخیک صدقة...»: سنن الترمذی ج 3 ص 228 ، مجمع الزوائد ج 3 ص 134. 17 . أمیر المؤمنین عليه‌السلام: «الصدقة دواء منجح»: الدعوات للراوندی ص 181 ، نهج البلاغة ج 4 ص 4 ، دستور معالم الحکم ص 16. 18 . سُئل رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: أیّ الأعمال أحبّ إلی اللّه؟ قال: «اتّباع سرور المسلم»: قرب الإسناد ص 145 ، وسائل الشیعة ج 16 ص 356. 19 . الإمام الباقر عليه‌السلام: «ما عُبد اللّه بشیء أحبّ إلی اللّه من إدخال السرور علی المؤمن...»: الکافی ج 2 ص 188؛ الإمام الباقر عليه‌السلام: «إنّ أحبّ الأعمال إلی اللّه إدخال السرور علی المؤمن...»: المحاسن ج 2 ص 388 ، بحار الأنوار ج 71 ص 289؛ الإمام الصادق عليه‌السلام: «... وأفضل الأعمال عند اللّه إدخال السرور علی المؤمن...»: کامل الزیارات ص 277. 20 . الإمام الباقر عليه‌السلام: قال رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «من سرّ مؤمناً فقد سرّنی»: فقه الرضا عليه‌السلام ص 374 ، الکافی ج 2 ص 188 ، وسائل الشیعة ج 16 ص 349. 21 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «لا یری أحدکم إذا أدخل علی مؤمن سروراً أنّه علیه أدخله فقط ، بل واللّه علی رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم»: الکافی ج 2 ص 189 ، وسائل الشیعة ج 16 ص 350 ، بحار الأنوار ج 71 ص 290. 22 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «من أدخل السرور علی مؤمن ، فقد أدخله علی رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم... وکذلک من أدخل عله کرباً»: الکافی ج 2 ص 192 ، وسائل الشیعة ج 16 ص 350 ، مستدرک الوسائل ج 17 ص 395. 23 . الإمام الباقر عليه‌السلام: «إذا دخلت فمرهم قبل أن تصل إلیک أن تکون متوضّئة، ثمّ أنت لا تصل إلیها حتّی تتوضّأ وتصلّی رکعتین ، ثمّ مجّد اللّه وصلّ علی محمّد وآل محمّد ، ثمّ ادعُ اللّه ، ومرّ من معها أن یؤمّنوا علی دعائک ، وقل: اللّهمّ ارزقنی أُلفها وودّها ورضاها ، ورضنی بها ، ثمّ اجمع بیننا بأحسن اجتماع وأسرّ ائتلاف...»: الکافی ج 3 ص 481 ، دعائم الإسلام ج 2 ص 211 ، وسائل الشیعة ج 8 ص 144. 24 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «یفتح أبواب السماء بالرحمة فی أربع مواضع: عند نزول المطر ، وعند نظر الولد فیوجه الوالد، وعند فتح باب الکعبة ، وعند النکاح»: مستدرک الوسائل ج 14 ص 152 ، بحار الأنوار ج 56 ص 354. 25 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «ما أظنّ رجلاً یزداد فی الإیمان خیراً إلاّ ازداد حبّاً للنساء»: الکافی ج 5 ص 32 ، کتاب من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 384 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 22. 26 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «ما أظنّ رجلاً یزداد فی هذا الأمر خیراً إلاّ ازداد حبّاً للنساء»: الکافی ج 5 ص 321؛ الإمام الصادق عليه‌السلام: «کلّ من اشتدّ لنا حبّاً اشتدّ للنساء حبّاً...»: مستطرفات السرائر ص 636 ، بحار الأنوار ج 63 ص 287. 27 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «إنّ النبیّ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم صلّی علی سعد بن معاذ وقال: وافی من الملائکة تسعون ألف ملک وفیهم جبرئیل...»: الأمالی للطوسی ص 437. 28 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «اهتزّ عرش الرحمان لموت سعد بن معاذ»: صحیح البخاری ج 2274 ، صحیح مسلم ج 7 ص 150 ، مسند أبی یعلی ج 5 ص 329 ، الغدیر ج 10 ص 43. 29 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «إنّ سعد بن معاذ قد مات ، فقام رسول اللّه وقام أصحابه ، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... ثمّ کان یأخذ یمنة السریر مرّةً ، ویسرة السریر مرّة ، حتّی انتهی إلی القبر ، فنزل رسول اللّه حتّی لحده... فلمّا أن سوّی التربة علیه قالت أُمّ سعد: یا سعد، هنیئاً لک الجنّة، فقال رسول اللّه: یا أُمّ‌سعد مه! لا تجزمی علی ربّک، فإنّ سعداً قد أصابه ضمّة... إنّه کان فی خلقه مع أهله سوء»: الأمالی للصدوق ص 468 ، الأمالی للطوسی ص 428 ، بحار الأنوار ج 79 ص 49. 30 . «إنّ رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خرج فی جنازه سعد وقد شیّعه سبعون ألف ملک ، فرفع رسول اللّه رأسه إلی السماء ثمّ قال: مثل سعد یضمّ؟... إنّما کان من زعارة فی خلقه علی أهله...»: الکافی ج 3 ص 236؛ الإمام الصادق عليه‌السلام: إنّ سعد بن معاذ قد مات فقام رسول اللّه وقام أصحابه ، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... فلمّا أن سوّی التربة علیه قالت أُمّ سعد: یا سعد ، هنیئاً لک الجنّة ، فقال رسول اللّه: یا أُمّ سعد مه! لا تجزمی علی ربّک ، فإنّ سعداً قد أصابه ضمّة... إنّه کان فی خلقه مع أهله سوء»: الأمالی للصدوق ص 468 ، الأمالی للطوسی ص 428 ، بحار الأنوار ج 79 ص 49. 31 . برای شرح حال سعد بن معاذ مراجعه کنید: رجال الطوسی ص 40 ، رجال ابن داوود ص 168 ، نقد الرجال ج 1 ص 382 ، معجم رجال الحدیث ج 9 ص 94 ، تهذیب التهذیب ج 1 ص 345 ، الثقات لابن حبّان ج 3 ص 147 ، تهذیب الکمال ج 10 ص 300 ، الإصابة ج 3 ص 70.

32 . الإمام السجّاد عليه‌السلام: «لأن أدخل السوق ومعی درهم ابتاع به لحماً لعیالی وقد قرموا إلیه ، أحبّ إلیَّ من أن أعتق نسمة...»: الکافی ج 4 ص 12 ، بحار الأنوار ج 21 ص 534. 33 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «أیّها الناس، من فطّر منکم صائماً مؤمناً فی هذا الشهر ، کان له بذلک عند اللّه عتق نسمة...»: الأمالی للصدوق ص 154 ، فضائل الأشهر الثلاثة ص 78 ، روضة الواعظین ص 345 ، إقبال الأعمال ج 1 ص 26 ، بشارة المصطفی ص 436. 34. رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «من دخل السوق فاشتری تحفة فحملها إلی عیاله ، کان کحامل صدقة إلی قومٍ محاویج...»: الأمالی للصدوق ص 672 ، ثواب الأعمال ص 201 ، وسائل الشیعة ج ج 21 ص 514. 35 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «... من کان له امرأة تؤذیه لم یتقبّل اللّه صلاتها ولا حسنة من عملها حتّی تعینه وترضیه... وعلی الرجل مثل ذلک الوزر والعذاب إذا کان لها مؤذیاً ظالماً...»: ثواب الأعمال ص 284 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 163 ، بحار الأنوار ج 73 ص 363 ، الفصول المهمّة ج 2 ص 337. 36 . «أخبرنی أخی جبرئیل ولم یزل یوصنی بالنساء ، حتّی ظننت أن لا یحلّ لزوجها أن یقول لها: اُفّ»: جامع أحادیث الشیعة ج 20 ص 249. 37 . «فاشفقوا علیهنّ وطیّبوا قلوبهنّ حتّی یقفن معکم ، ولا تکرهوا النساء ولا تسخطوا بهنّ»: جامع أحادیث الشیعة ج 20 ص 249 ، مستدرک الوسائل ج 14 ص 253. 38 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «خیرکم خیرکم لأهله...»: کتاب من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 555 ، مکارم الأخلاق ص 216 ، سنن ابن ماجة ج 1 ص 633 ، سنن الترمذی ج 5 ص 369 ، الطبقات الکبری ج 8 ص 205 ، أُسد الغابة ج 5 ص 281 ، البدایة والنهایة ج 10 ص 163. 39 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «... من حسن برّه بأهل بیته ، مُدّ له فی عمره»: الکافی ج 2 ص 105 ، الأمالی للطوسی ص 245 ، الدرّ النظیم ص 639. 40 . أمیر المؤمنین عليه‌السلام: «... وإنّهنّ أمانة اللّه عندکم...»: مستدرک الوسائل ج 14 ص 251 ، جامع أحادیث الشیعة ج 20 ص 248. 41 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «حقّ المرأة علی زوجها أن یسدّ جوعتها ، ویستر عورتها ، ولا یقبح لها وجهاً»: الکافی ج 5 ص 511 ، تهذیب الأحکام ج 7 ص 457. 42 . أمیر المؤمنین عليه‌السلام «... فإنّ المرأة ریحانة ولیست بقهرمانة...»: نهج البلاغة ج 3 ص 56 ، الکافی ج 5 ص 51 ، کتاب من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 556 ، تحف العقول ص 87 ، کنز الفوائد ص177 ، مکارم الأخلاق ص 218 ، عیون الحکم والمواعظ 526 ، کنز العمّال ج 16 ص 183. 43 . والریحانة: کلّ بقل طیّب الریح ، واحدته ریحانة: لسان العرب ج 2 ص 458 ، الریحان: نبت طیّب الرائحة: تاج العروس ج 4 ص 61 ، القاموس المحیط ج 1 ص 224 ، مجمع البحرین ج 2 ص 246. 44 . قال أمیر المؤمنین عليه‌السلام فی وصیته لابنه محمّد ابن الحنفیة: «یا بنی... فدارها علی کلّ حال، وأحسن الصحبة لها لیصفو عیشک»: کتاب من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 556 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 169. 45 . أمیر المؤمنین عليه‌السلام: «... وإنّهنّ أمانة اللّه عندکم...»: مستدرک الوسائل ج 14 ص 251 ، جامع أحادیث الشیعة ج 20 ص 248. 46 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «إنّک إن شاء اللّه لن تنفق نفقة إلاّ أجرت ، حتّی اللقمة ترفعها إلی فی امرأتک»: السنن الکبری ص 377.

«ومهما أنفقت فهو لک صدقة ، حتّی اللقمة ترفعها فی فی امرأتک»: صحیح البخاری ج 6 ص 189 ، مسند أحمد ج 1 ص 172 ، سنن أبی داوود ج 1 ص 654 ، السنن الکبری ج 6 ص 269. 47 . «رأیت أبا الحسن عليه‌السلام اختضب، فقلت: جُعلت فداک ، اختضبت؟ فقال: نعم، إنّ التهیئة ممّا یزید فی عفّة النساء ، ولقد ترک النساء العفّة بترک أزواجهن التهیئة، ثمّ قال: أیسرّک أن تراها علی ما تراک علیه إذا أنت علی غیر التهیئة؟ قلت: لا، قال: هو ذاک...»: الکافی ج 5675 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 246 ، مکارم الأخلاق ص 79 ، الحدائق الناضرة ج 23 ص 150. 48 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «کان رسول اللّه ینفق فی الطیب أکثر ممّا ینفق فی الطعام...»: الکافی ج 6 ص 512 ، وسائل الشیعة ج 2 ص 146 ، میزان الحکمة ج 2 ص 1756. 49 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «سألت أُمّ سلمة رسول اللّه عن فضل النساء فی خدمة أزواجهنّ؟ فقال: أیما امرأة رفعت من بیت زوجها شیئاً من موضع إلی موضع ترید به صلاحاً إلاّ نظر اللّه إلیها...»: الأمالی للطوسی ص 618 ، بحار الأنوار ج 100 ص 251. 50 . جاء رجل إلی رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فقال: «إنّ لی زوجة إذا دخلت تلقنی ، وإذا خرجت تشیعنی ، وإذا رأتنی مهموماً قالت: ما یهمّک؟ إن کنت تهتمّ لرزقک فقد تکفّل لک به غیرک ، وإن کنت تهتمّ بأمر آخرتک فزادک اللّه همّاً ، فقال رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: إنّ للّه عمّالاً ، وهذه عمّاله، لها نصف أجر الشهید»: کتاب من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 389 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 32. 51 . «قالت أُمّ سلمة: یا رسول اللّه ، ذهب الرجال بکلّ الخیر ، فأیّ شیء للنساء المساکین؟ فقال صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: بلی، إذا حملت المرأة کانت بمنزلة الصائم القائم المجاهد بنفسه وماله فی سبیل اللّه ، فإذا وضعت کان لها من الأجر ما لا یدری أحد ما هو لعظمه ، فإذا أرضعت کان لها بکلّ مصّة کعدل عتق محرّر من ولد إسماعیل...»: وسائل الشیعة ج 21 ص 451. 52 . الإمام الرضا عليه‌السلام «من تصدّق وقت إفطاره علی مسکین برغیف، غفر اللّه له ذنبه ، وکتب له ثواب عتق رقبة من ولد إسماعیل»: فضائل الأشهر الثلاثة ص 96 ، وسائل الشیعة ج 10 ص 316. 53 . دعائم الإسلام ج 1 ص 343 ، مستدرک الوسائل ج 11 ص 21 ، مسند أحمد بن حنبل ج 5 ص 314 ، الدرّ المنثور ج 1 ص 245. 54 . أمیر المؤمنین عليه‌السلام: «کتب اللّه الجهاد علی الرجال والنساء ، فجهاد الرجل بذل ماله ونفسه حتّی یُقتل فی سبیل اللّه ، وجهاد المرأة أن تصبر علی ما تری من أذی زوجها وغیرته». وفی حدیثٍ آخر: «جهاد المرأة حسن التبعّل...»: الکافی ج 5 ص 9 ، کتاب من لا یحضره الفقیه ج 3 ص 439؛ رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «الحجّ جهاد کلّ ضعیف ، وجهاد المرأة حسن التبعّل»: الخصال ص 62 ، کشف الخفاء ج 1 ص 35 ، لسان المیزان ج 1 ص 168. 55 . الإمام الباقرع: «لا ینبغی لامرأة أن تعطّل نفسها من الحلی ، ولو ان تعلّق فی رقبتها قلادة»: دعائم الإسلام ج 2 ص 163. 56 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «خیر نسائکم الطیّبة الریح...»: الکافی ج 5 ص 325 ، تهذیب الأحکام ج 7 ص 402 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 30. 57 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «جائت امرأة إلی رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فقالت: یا رسول اللّه ، ما حقّ الزوجة علی ؟؟؟المرأة؟... علیها أن تتطیب بأطیب طیبها ، وتلبس أحسن ثیابها ، وتتزین بأحسن زینتها ، وتعرض نفسها علیه غداة وعشیة...»: الکافی ج 5 ص 508. 58 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «أیما امرأة تطیّبت لغیر زوجها لم یتقبّل منها صلاة...»: الکافی ج 5 ص 507؛ رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «أیما امرأة تتطیّب ثمّ خرجت من بیتها فهی تُلعن حتّی ترجع إلی بیتها متی رجعت»: ثواب الأعمال ص 259 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 221 ، بحار الأنوار ج 100 ص 255. 59 . قال عليه‌السلام: «ثلاث من النساء یرفع اللّه عنهنّ عذاب القبر ویکون محشرهنّ مع فاطمة بنت محمّد عليها‌السلام، امرأة صبرت علی غیرة زوجها ، وامرأة صبرت علی سوء خلق زوجها... یعطی اللّه کلّ واحدة منهنّ ثواب ألف شهید ، ویکتب لکلّ واحدة منهنّ ثواب عبادة سنة»: وسائل الشیعة ج 21 ص 285 ، جامع أحادیث الشیعة ج 21 ص 256. 60 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «إنّ للقبر کلاماً فی کلّ یوم، یقول: أنا بیت الغربة ، أنا بیت الوحشة ، أنا بیت الدود ، أنا روضة من ریاض الجنّة ، أو حفرة من حفر النار»: الکافی ج 3 ص 242 ، بحار الأنوار ج 6 ص 267. 61 . الإمام الباقر عليه‌السلام: «... ولا شفیع للمرأة أنجح عند ربّها من رضا زوجها ، ولمّا ماتت فاطمة عليها‌السلام، قام علیها أمیر المؤمنین عليه‌السلام وقال: اللّهمّ إنّی راضٍ عن ابنة نبیّک، اللّهمّ إنّها قد أوحشت فآنسها، اللّهمّ إنّها قد هاجرت فصلها...»: الخصال ص 588 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 222 ، بحار الأنوار ح 78 ص 345. 62 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «... لا تزورون خیر من أن تزورون، قال: قطعت ظهری، قال: تاللّه إنّ أحدکم لیذهب إلی قبر أبیه کئیباً حزیناً وتأتونه أنتم بالسفر، کلاّ حتّی تأتونه شعثاً غبراً»: کامل الزیارات ص 250 ، المزار لابن المشهدی ص 396 ، بحار الأنوار ج 98 ص 141. 63 . قالت أُمّ سلمة: «یا رسول اللّه ذهب الرجال بکلّ الخیر ، فأیّ شیء للنساء المساکین؟ فقال صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: بلی، إذا حملت المرأة کانت بمنزلة الصائم... فإذا فرغت من رضاعه ضرب ملک کریم علی جنبها وقال: استأنفی العمل فقد غُفر لک»: وسائل الشیعة ج 21 ص 451. 64 . قال عليه‌السلام: «ما من امرأة تسقی زوجها شربة من ماء ، إلاّ کان خیراً لها من عبادة سنة صیام نهاراً وقیام لیلها»: وسائل الشیعة ج 20 ص 172 ، جامع أحادیث الشیعة ج 20 ص 235. 65 . برای اطلاع از آثار گناهان مراجعه کنید به: وسائل الشیعة، ج 16 ، ص 45 ، بحار الأنوار، ج 73 ، ص 304. 66 . قال عليه‌السلام: «ما من امرأة تسقی زوجها شربة من ماء ، إلاّ کان خیراً لها من عبادة سنة... غفر لها ستّین خطیئة»: وسائل الشیعة ج 20 ص 172 ، جامع أحادیث الشیعة ج 20 ص 235. 67 . مراجعه کنید به: «زنان ونوسی ومردان مریخی» ، نوشته: جان گری ، ترجمه بهمن ربیعی ، انتشارات خوشه ، تهران ، 1378. 68 . الإمام الصادق عليه‌السلام: «خیر نسائکم التی إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحیاء ، وإذا لبست، لبست معه درع الحیاء»: الکافی ج 5 ص 324 ، وسائل الشیعة ج 20 ص 29. 69 . رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: «العفیفة فی فرجها ، الغلمة علی زوجها...»: النوادر للراوندی ص 116 ، بحار الأنوار ج 100 ص 237.

.

[مقدمه 3](#_Toc8216915)

[فصل اوّل: بهترین مرد دنیا 5](#_Toc8216916)

[تو داری در راه خدا جهاد می‌کنی ! 6](#_Toc8216917)

[آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند ؟ 8](#_Toc8216918)

[خدایا، خیر دنیا و آخرت را به من بده ! 10](#_Toc8216919)

[همسر عزیزم، دوستت دارم ! 12](#_Toc8216920)

[هدیه دادن را فراموش نکن ! 16](#_Toc8216921)

[با لبخند می‌توانی بلا را از خود دور کنی ؟ 18](#_Toc8216922)

[خدایا، مهر همسرم در دلم قرار ده ! 23](#_Toc8216923)

[از کجا بفهمم ایمانم کامل‌تر شده است ؟ 26](#_Toc8216924)

[نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند ؟ 28](#_Toc8216925)

[این لیست را بگیر و خرید کن ! 30](#_Toc8216926)

[کاری نکنی که نمازت قبول نشود ! 32](#_Toc8216927)

[با همسر خود مهربان باشید ! 35](#_Toc8216928)

[چگونه همسرتان به شما امتیاز می‌دهد ؟ 41](#_Toc8216929)

[وقتی که همسرت احساس نا امیدی می‌کند 45](#_Toc8216930)

[چند پیشنهاد برای آقایان 50](#_Toc8216931)

[فصل دوم: بهترین زن دنیا 55](#_Toc8216932)

[آیا می‌خواهی خدا به تو نظر کند ؟ 55](#_Toc8216933)

[خانمی که کارگزار خدا بود 57](#_Toc8216934)

[چرا همه خوبی‌ها برای مردان است ؟ 58](#_Toc8216935)

[آیا می‌خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی ؟ 59](#_Toc8216936)

[آرایش کردن برای شوهر 61](#_Toc8216937)

[ثواب هزار شهید می‌خواهی ؟ 66](#_Toc8216938)

[آیا زنان از ثواب شهادت بی بهره‌اند؟ 67](#_Toc8216939)

[آیا تا به حال کربلا رفته‌ای؟ 72](#_Toc8216940)

[بهترین راه آمرزش گناهان 76](#_Toc8216941)

[سکوت شوهرت را درست معنی کن ! 80](#_Toc8216942)

[چند پیشنهاد برای خانم‌ها 84](#_Toc8216943)

[منابع 88](#_Toc8216944)

[نویسنده، کتب، ناشر 93](#_Toc8216945)

[درباره نویسنده 93](#_Toc8216946)

[کتب نویسنده 95](#_Toc8216947)